

افق‌های روشن

جلوه‌های مهدوی قرآن

دکتر نادر فضلی

جلوه‌های مہک‌دومی قرآن

افق‌های روشن

دکتر نادر فضلی

سرشناسه: فضلی، نادر
عنوان و نام پدیدآور: جلوه‌های مهدوی قرآن، افق‌های روشن /
نادر فضلی.

مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۴۲۷-۹

وضعیت نشر: نویسی: فیپا.

موضوع: محمد بن حسن علیه السلام، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت،
مهدویت.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ب ۲ ب ۶۵ ف / ۴ / ۲۲۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲



شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۴۲۷-۹ ISBN 978-964-539-427-9

جلوه‌های مهدوی قرآن

افق‌های روشن

دکتر نادر فضلی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اوّل / ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حروف چینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنبق

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه افسردار، ساختمان پژوهشگان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: تبریز (صحیفه) ۵۵۵۱۸۴۸-۰۴۱۱ * اهواز (رشد) ۲۲۱۷۰۰۱-۰۶۱۱ * مشهد ۸۵۵۵۹۴۷-۰۵۱۱

شیراز (شاهچراغ) ۲۲۲۱۹۱۶-۰۷۱۱ * اصفهان (مهر قائم) ۲۲۲۱۹۹۵-۰۳۱۱ * دزفول (معراج) ۲۲۶۱۸۲۱-۰۶۴۱

در صورت تمایل برای اطلاع از کتاب‌های جدید این مرکز شماره‌ی همراه خود را به ۰۹۳۵۷۵۲۱۸۳۶ پیامک فرمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۱۱ اشاره
۱۵ بخش یکم: وعده‌ی خدا
۱۷ مطلع
۲۳ وعده‌ی خدا بر استخلاف مؤمنان صالح
۲۵ تدبیر در آیه و واکاوی برخی از نکات آن
۲۵ * نکته‌ی یکم: یادآوری جای‌گاه و اهمیت وعده‌ی خدا
۲۵ * نکته‌ی دوم: تأکیدی چندباره بر تحقق وعده‌ی خدا
۲۶ * نکته‌ی سوم: دینی که خدا از آن خشنود است
۲۷ * نکته‌ی چهارم: فراگیری آرامش و آسایش
۲۷ * نکته‌ی پنجم: فراگیری توحید و یکتاپرستی
۲۹ تبیین و تفسیر آیه از چهار منظر
۲۹ الف: بشارت به خلافت و وصایت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۳۱ ب: بشارت به وصایت و خلافت ائمه <small>علیهم السلام</small>

- ج: تحقق وعده‌ی خدا درباره‌ی همه‌ی امامان در رجعت ۳۵
۱. اثبات رجعت بر اساس آیات قرآن ۳۵
۲. رجعت و حکومت ائمه علیهم‌السلام ۳۷
۳. رجعت پیامبران برای یاری امیرمؤمنان علیه‌السلام ۳۹
۴. زنده شدن پیکارگران پیروز! ۴۰
- نقاوه و نتیجه ۴۳
- اینک شما باید بتوانید ۴۵
- به این پرسش‌ها پاسخ دهید ۴۶
- بخش دوم: خلافت و مُکنت حضرت مهدی علیه‌السلام** ۴۷
- مطلع ۴۹
- سخنان گران‌سنگ خداوند در اوج معراج ۵۷
- * بلندای بیانات معراجیه ۵۷
- * اوج بندگی، برترین مقام ۵۸
- * منزلت والای جانشین حبیب خدا ۵۹
- * بشارت به ظهور قائم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۶۰
- * نمایاندن پیشینه و نژاد مهدی علیه‌السلام ۶۱
- * برخی از رخ‌دادهای شوم در آستانه‌ی ظهور ۶۲
- * برخی نشانه‌های آستانه‌ی ظهور ۶۳
- روایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۶۵
- * زدایش ظلم و گسترش دادگری ۶۵
- روایت علی مرتضی علیه‌السلام ۶۷
- * بازگشت دنیا به دین‌داران ۶۷
- * دشواری‌های راه و آزمون امت ۶۸
- الف: غوطه‌وری امت در حیرت و هلاکت ۶۸

فهرست مطالب ۷

- ب: حیرت و صعوبت در غیبت حجت ۶۹
- ج: سرور و سعادت برای شیعیان حضرت حجت ۷۰
- * سرآمد مرگ ابلیس ۷۲
- روایت حضرت زین العابدین، علی بن الحسین علیه السلام ۷۵
- * بشارت به ظهور حتمی حضرت مهدی و گسترش دادگری ۷۵
- روایت حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام ۷۷
- * پاسخی روشن به پرسشی مهم ۷۷
- * شب جمعه‌ی سرنوشت‌ساز ۷۸
- روایت حضرت امام جواد علیه السلام ۸۱
- * تأکید بر حتمیت قیام قائم و بدا ناپذیر بودن آن ۸۱
- درودها و درخواست‌ها ۸۳
- * امید به تحقق وعده‌ی خدا ۸۳
- * تجلی امید در دعای روز عاشورا ۸۴
- * دعا و درخواست حضرت حجت ۸۶
- * درود خدا بر موعود امت‌ها ۸۸
- * درود بر وعده‌ی ضمانت شده و راست خدا ۸۹
- * خدا و خلف وعده، هرگز! ۹۰
- * دعا و درودی دیگر ۹۱
- نقاوه و نتیجه ۹۳
- اینک شما باید بتوانید ۹۵
- به این پرسش‌ها پاسخ دهید ۹۶
- بخش سوم: فراگیری اسلام ۹۷
- مطلع ۹۹
- دین پیروز ۱۰۵

۸ ◀ جلوه‌های مهدوی قرآن، افق‌های روشن

- ۱۰۷ حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
- ۱۰۷ * فراگیری توحید
- ۱۰۹ حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام
- ۱۰۹ * زنده شدن زمین مرده
- ۱۱۳ حضرت باقر، محمد بن علی بن الحسین علیه السلام
- ۱۱۳ * آبادانی زمین
- ۱۱۵ حضرت صادق، جعفر بن محمد علیه السلام
- ۱۱۵ * ذلت کافران
- ۱۱۷ حضرت کاظم، موسی بن جعفر علیه السلام
- ۱۱۷ * پیروزی اسلام، پیروزی ولایت
- ۱۱۹ ابوالعباس، عبدالله بن عباس
- ۱۱۹ * جلوه‌های دیگری از پیروزی اسلام بر همه‌ی ادیان
- ۱۲۱ نقاوه و نتیجه
- ۱۲۳ اینک شما باید بتوانید
- ۱۲۴ به این پرسش‌ها پاسخ دهید
- ۱۲۵ بخش چهارم: یک دین، در سرتاسر زمین
- ۱۲۷ مطلع
- ۱۳۳ همه‌ی دین، تنها برای خدا
- ۱۳۵ روایات حضرت ابو جعفر، محمد بن علی الباقر علیه السلام
- ۱۳۵ * تحقق کامل آیه در ظهور امام زمان علیه السلام
- ۱۳۵ * گسترش دین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در کره‌ی زمین
- ۱۳۶ * فراگیری توحید و یکتاپرستی
- ۱۳۷ * گسترش اسلام در سرتاسر جهان
- ۱۳۹ بیانات حضرت ابو عبدالله، جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

۱۳۹	* روشنایی زمین، بندگی خدا
۱۴۰	* تأکید بر فراگیری دین یگانه‌ی خدا در آینده‌ی جهان
۱۴۲	* نابودی همه‌ی گروه‌ها و دین‌ها و بت‌ها و بت‌پرستی‌ها
۱۴۵	نقاوه و نتیجه
۱۴۷	اینک شما
۱۴۸	به این پرسش‌ها پاسخ دهید
۱۴۹	بخش پنجم: استقرار جهانی نظام بندگی خدا
۱۵۱	مطلع
۱۵۷	صدور اذن جهاد به ستم‌دیدگان
۱۵۷	* در زمان رسول خدا
۱۵۸	* جاری بودن حکم آیه درباره‌ی حضرت حسین <small>علیه السلام</small>
۱۵۹	* بیان مصداق دیگری از آیه
۱۶۱	* مصداق نهایی و کامل آیه
۱۶۳	* هراس دشمنان از قدرت یافتن اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۶۷	دعا و درخواست
۱۶۹	نقاوه و نتیجه
۱۷۱	اینک شما می‌توانید
۱۷۲	به این پرسش‌ها پاسخ دهید
۱۷۳	خاتمه

اشاره

در دفتر یکم از این مجموعه گفتیم و دانستیم که:

در پی آن‌ایم تا اصول و امّهات مبحث مهم مهدویت را بر اساس آیات شریفه‌ی قرآنی بیان کنیم.

در پی آن‌ایم تا این حقیقت را بنمایانیم که قرآن بسترهای بسیار مناسبی را برای باروری و بالندگی باورهای مهدوی، فراهم آورده است.

در پی آن‌ایم تا مبتنی بر تبیین و تفسیر و تأویلی که دارندگان دانش قرآن عرضه می‌فرمایند، این باور را در دل و جانمان جای‌گیر کنیم.

دفتر یکم را در سه بخش به پایان بردیم؛ در بخش یکم با عنوان «بسترهای باورهای مهدوی»، با مقدماتی آشنا شدیم که نشان می‌داد:

* بنیاد بلند ولایت و به دنبال آن، آفرینش چهارده نور پاک و نیز وجود نورانی حضرت قائم آل محمد علیه السلام، پیشینه‌ای فراتر از آفرینش آسمان‌ها و زمین دارد.

نتیجه‌ی مهمی که از مباحث این بخش گرفتیم، آن بود که گفتیم:

* بر آن‌ایم تا بر گروهی از آیات قرآن، نگاهی ولایی و مهدوی بپفکنیم.
* به ویژه یادآور شویم که با توجه به شناخت و معرفت اقوام پیشین با موضوع ولایت و نیز مهدویت، اصل و اساس داستان‌های مربوط به آنان، رنگ و بوی مهدوی دارد.

در بخش دوم پس از یادآوری داستان نجات بنی‌اسرائیل از سیطره‌ی سیاه فرعون، دانستیم که:

* اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماد بارزی از استضعاف‌اند.
* هم‌چنین باور کردیم که شیعیان خوش‌کردار نیز نماد دیگری از استضعاف‌اند.

* پی بردیم که غاصبان خلافت، همان فرعون و هامان روزگار پس از رحلت رسول خدایند.

* در همین بخش از سعه‌ی ستم بر اهل بیت سخن گفتیم.
* از شکست امت اسلام در آزمون دوستی اهل بیت یاد کردیم.
* سرانجام از بشارت خداوند بر «حاکمیت مستضعفان در آینده‌ی جهان» در سرتاسر گیتی آگاه و دل‌شاد شدیم.

* به روزگار درخشان عزت مستضعفان، چشم امید دوختیم.
* با سلامی ویژه به حضرت حجت و دعا و درخواست از خداوند برای تحقق آن وعده‌ی بزرگ، این بخش را به پایان بردیم.

در بخش سوم:

* از آیات دیگری در راستای همان بشارت‌های قرآنی مبنی بر «سرانجامی سراسر سعادت» سخن گفتیم.

* از پایداری امت موسی بر آزار و ستم فرعون و پیروزی آنان در پی آن پایداری یاد کردیم.

* با رایحه‌ی دل‌انگیز روح امید و انتظار، که برخاسته از سخن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود، دل و جان خویش را معطر کردیم.

* از صاحبان اصلی زمین، یعنی ائمه علیهم السلام سخن گفتیم.

* دانستیم که صبر و ظفر، هر دو دوستان قدیم‌اند و بر اثر صبر، نوبت ظفر فرا خواهد رسید.

* با استدلال استوار امام باقر علیه السلام دانستیم که پس از حکومت امامان معصوم، دیگر هیچ حکومتی نخواهد بود.

* با ره‌نمود امام عسکری علیه السلام بر صبر و پایداری در دشواری‌ها، نور امید در دل‌هایمان تابیدن گرفت.

* از دعای موسی بر نابودی فرعون آگاه شدیم.

* به نابودی دشمن در پی صبوری دل‌شاد گشتیم.

* هم‌چنین روش رسول خدا را در برابر دشمنان دین شناختیم و ثمره‌ی آن صبوری را دیدیم.

* بشارت تملیک شرق و غرب عالم به بندگان صالح را شنیدیم.

* بر آن شدیم تا با امید به فتح و پیروزی فراگیر در سرتاسر گیتی و وراثت زمین توسط صالحان، زندگی کنیم.

* و نیز بر آن شدیم تا بشارت همه‌ی کتاب‌های آسمانی را در این باره، به راستی باور داشته باشیم.

دیگر بار تأکید می‌کنیم:

هم‌رخ‌دادی که درباره‌ی بنی‌اسرائیل بیان شده و هم بشارتی که در کتاب‌های آسمانی و ادیان پیشین از آن سخن به میان آمده است، نمایه و نمادی از مبحث مهم مهدویت است که در اسلام با عنوان «فرجام فرخنده برای یکتاپرستان و فراگیری دین خدا در سرتاسر گیتی»، از آن یاد شده است.

به خواست خداوند در دفتر دوم از

«افق‌های روشن در پرتو پرفروغ آیات قرآن»

سخن می‌گوییم و اندیشه‌مان را با آیاتی نورانی می‌کنیم که به روشنی این
بشارت‌های امیدبخش را می‌نمایاند:

* فراگیری توحید و یکتاپرستی

* نابودی شرک و بت‌پرستی

* استخلاف مؤمنان صالح

* مُکنت یافتن دین مرضیّ خدا

* فراگیری امنیت و آسایش

* پیروزی اسلام و گسترش جهانی آموزه‌های آن

* استواری و پایداری نظام عبودیت در سرتاسر زمین

روز میلاد سراسر نور و سرور

امید و امان شیعیان جهان و به ویژه ایران

حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام

سه شنبه بیست و ششم شهریور ۱۳۹۲ خورشیدی

برابر با یازدهم ذی‌القعدة ۱۴۳۴ قمری

نادر فضلی

بخش یکم

وعدہ می خدا

مطلع

نخست، نیکوست تا بدانیم در کتاب خدا، نسبت به وعده و عمل به آن، سفارش‌های ویژه‌ای شده است. جالب است که در روز قیامت، هنگامی که کار داوری به پایان می‌رسد و بهشتیان از دوزخیان جدا می‌شوند، شیطان، که دشمن‌ترین دشمن خدا و انسان است، خطاب به دوزخیانی که بر اثر پیروی از او، اهل آتش شده‌اند، خطابی چنین عتاب‌آمیز و اعترافی چنین راست، خواهد داشت:

﴿... إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتَكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ...﴾^۱

۱. ابراهیم (۱۴): ۲۲. در آیاتی دیگر نیز از وعده‌ی خدا با وصف حق، یاد شده است: نساء (۴): ۱۲۲، اعراف (۷): ۴۴، توبه (۹): ۱۱۱، یونس (۱۰): ۴ و ۵۵، هود (۱۱): ۴۵، نحل (۱۶): ۳۸، کهف

﴿... بی‌تردید خداوند به شما وعده داد، وعده‌ی حق و راست و من هم به شما وعده دادم، پس با شما خلاف آن عمل کردم...﴾

اوصاف دیگری که خداوند برای وعده‌های خویش برشمرده است، همگی گویای آن است که بی‌تردید آن وعده‌ها به وقوع می‌پیوندد:

وعده‌ی نیکو،^۱ وعده‌ی صدق [راست]،^۲ وعده‌ی بی‌دروغ،^۳ وعده‌ی شدنی.^۴ این‌ها همگی حاکی از آن است که خداوند به هیچ‌روی در وعده‌ای که به مؤمنان و نیز به کافران داده است، خلاف نمی‌کند و قطعاً به

﴿(۱۸): ۲۱ و ۹۸، انبیاء (۲۱): ۹۷، قصص (۲۸): ۱۳، روم (۳۰): ۶۰، لقمان (۳۱): ۹ و ۳۳، فاطر (۳۵): ۵، غافر (۴۰): ۵۵ و ۷۷، جاثیه (۴۵): ۳۲، احقاف (۴۶): ۱۷.

۱. مانند: ﴿أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدَاً حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُخْضَرِينَ: آیا کسی که به او وعده‌ی نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید، مانند کسی است که از کالای دنیا بهره‌مندش ساخته‌ایم، سپس روز قیامت از احضار شدگان [در آتش] است؟﴾ قصص (۲۸): ۶۱ و نیز: نساء (۴): ۹۵، حدید (۵۷): ۱۰، طه (۲۰): ۸۶.

۲. ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ: آنان کسانی‌اند که بهترین آن‌چه را که انجام داده‌اند، از ایشان می‌پذیریم و از بدی‌هایشان درخواهیم گذشت. در زمره‌ی بهشتیان‌اند، وعده‌ی راستی که به آنان وعده داده می‌شده است.﴾ احقاف (۴۶): ۱۶ و نیز: آل عمران (۳): ۱۵۲، انبیاء (۲۱): ۹.

۳. ﴿فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتُّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْدُوبٍ: پس [قوم ثمود] آن [ماده شتر] را پی کردند [کشتند] و [صالح] گفت: سه روز در خانه‌هایتان [از زندگی] برخوردار شوید. این، وعده‌ای بی‌دروغ است.﴾ هود (۱۱): ۶۵.

۴. ﴿وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولاً: و می‌گویند: پاک و منزّه است پروردگار ما، وعده‌ی پروردگارمان قطعاً شدنی است.﴾ اسراء (۱۷): ۱۰۸ و نیز: اسراء (۱۷): ۵.

آن‌ها عمل خواهد کرد.

برخی از تعابیر دیگری که گویای این موضوع بسیار مهم است، چنین است:

﴿وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾^۱

﴿و خداوند هرگز در وعده‌اش خلاف نمی‌کند.﴾

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ﴾^۲

﴿بی‌تردید خداوند در وعده‌اش خلاف نمی‌کند.﴾

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾^۳

﴿پس صبر کن که وعده‌ی خدا حق است.﴾

به این ترتیب باید با تمامی وجود باور کنیم هنگامی که خداوند وعده‌ای می‌دهد، به وعده‌اش عمل می‌فرماید؛ نباید هیچ تردیدی در حتمیت و قطعیت انجام وعده‌ی خدا داشته باشیم.

دانستنی دیگر آن است که برخی از اموری را که خداوند به انجام آن‌ها وعده داده است، به اجمال و اختصار، بشناسیم:

* وعده‌ی نصرت و یاری مؤمنان^۴

۱. حج (۲۲): ۴۷.

۲. آل عمران (۳): ۹ و ۱۹۴، رعد (۱۳): ۳۱، زمر (۳۹): ۲۰.

۳. روم (۳۰): ۶۰، غافر (۴۰): ۵۵ و ۷۷.

۴. مانند: ﴿... وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ *

وَ عَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: ... و در آن روز است که مؤمنان از یاری خداوند شادمان می‌شوند. هر کس را که بخواهد یاری می‌کند و اوست فرازمند و شکست‌ناپذیر و

* وعده‌ی وقوع قیامت و برپایی حساب و کتاب^۱

* وعده‌ی آمرزش و بهشت^۲

* وعده‌ی دوزخ و آتش و عذاب^۳

در پی آموزه‌های این بخش درمی‌یابیم:

* وعده‌ی خداوند بر استخلاف بندگان مؤمن و صالح در سرتاسر گیتی، حتمی و قطعی است.

* بی‌تردید خداوند در پی آن استخلاف،

مهربان. [این] وعده‌ی خداست. خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. ﴿ روم (۳۰): ۴-۶.﴾

۱. مانند: ﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً وَعَدَّ اللَّهُ حَقّاً إِنَّهُ يَنْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ:﴾ بازگشت همه‌تان به سوی اوست. وعده‌ی خدا حق است. همانا اوست که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به قسط و دادگری پاداش دهد و برای کسانی که کافر شده‌اند، به سبب کفری که ورزیده‌اند، نوشیدنی‌ای از آب جوشان و عذابی دردناک خواهد بود. ﴿ یونس (۱۰): ۴.﴾

۲. مانند: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ:﴾ خداوند به مردان و زنان مؤمن باغ‌هایی را وعده داده است که از زیر [درختانش] نهرها جاری است. در آن جاودانه می‌مانند و [نیز] سرراهی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [که به آنان وعده داده است] و البته خشنودی خدا بزرگ‌تر است و همین کامیابی بزرگ است. ﴿ توبه (۹): ۷۲.﴾

۳. ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ:﴾ خداوند به مردان و زنان منافق و نیز به کافران، وعده‌ی آتش دوزخ داده است که جاودانه در آن‌اند. آن [آتش و عذاب] برایشان کافی است و خداوند نفرینشان فرموده و برای آنان عذابی پایدار و ماندنی است. ﴿ توبه (۹): ۶۸.﴾

دینی را که از آن راضی است، مکنت و قدرت می‌بخشد.

* یقیناً خداوند قادر و قاهر، ترس و هراس مؤمنان صالح و نیکوکار را به امنیتی سرتاسری بدل می‌فرماید.

* در پی و پیرو این رخ‌دادهای فرخنده، ریشه‌ی کفر و شرک می‌خشکد و یکتاپرستی در سرتاسر گیتی، جلوه‌گر می‌گردد.

با دانستن این موارد، به آینده‌ی روشن چشم امید می‌دوزیم و از دشواری‌های دوران دردناک و غم‌بار غیبت نمی‌هراسیم و پنجه در پنجه‌ی سختی‌های روزگار می‌افکنیم و تحقق وعده‌ی الهی را به انتظار می‌نشینیم.

تجلی این وعده‌ی خداوندی در چهار بازه‌ی زمانی و به صورت‌های گوناگون، رخ داده و خواهد داد:

- هنگام خلافت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

- در خلافت دیگر امامان علیهم السلام به عنوان جانشینان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.^۱

- پیش از وقوع رستاخیز عظیم و قیامت

۱. روشن است که تحقق تمامی وعده‌های ذکر شده در آیه، در ظهور قائم آل محمد و رجعت ائمه علیهم السلام خواهد بود، اما وعده‌ی خلافت حضرت علی و فرزندانش علیهم السلام به وقوع پیوسته است.

کبری، در هنگام رجعت حضرات
معصومین علیهم‌السلام.

- در زمان ظهور قائم آل محمد علیه‌السلام و فراگیری
آن وعده در سرتاسر گیتی.

و نیز می‌آموزیم:

* بر اساس آموزه‌های قرآنی و با تبیین
ائمه علیهم‌السلام، پیش از وقوع رستاخیز بزرگ،
گروهی از مؤمنان برگزیده و نیز عده‌ای از
کافران تیره‌بخت، به دنیا بازمی‌گردند و شاهد
حوادثی خواهند بود.

* از جمله کسانی که قبل از قیامت به دنیا
بازمی‌گردند، ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام اند.

* بازگشت پیامبران علیهم‌السلام برای یاری
امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز از حوادث شگفت‌انگیز
قبل از وقوع قیامت کبری است.

* عده‌ای هم در ظهور امام زمان برای یاری
آن حضرت از گور برمی‌خیزند و دعوت آن
عزیز را لبیک می‌گویند.

مبتنی بر همین نکته‌ی اخیر می‌کوشیم تا
دعای عهد را هر بامداد بخوانیم و صمیمانه و
خالصانه از خداوند درخواست کنیم تا در
ظهور امام زمان، ما را زنده کند و از یاران آن
حضرت قرارمان دهد.

وعدہی خدا بر استخلاف مؤمنان صالح

آیہای کہ می آوریم بیانگر وعدہای بزرگ و مهم است؛
وعدہای کہ خداوند به ہمہی خداپرستان و صالحان و نیکوکاران
داده است،

وعدہای کہ ہمہی پیامبران پیشین و اوصیای آنان به پیروان و
امت‌هایشان داده‌اند،

وعدہای کہ پیامبر اسلام ﷺ و ائمہی دین علیہم السلام به طور ویژه از آن
سخن گفته‌اند،

وعدہای کہ چشم‌اندازی سراسر امید و امنیت و آسایش را، پیش
روی مؤمنان صالح می‌گستراند.

بشنویم وعدہی خداوند را تا شاهد و شکر بر کامان نشیند و نور امید
دیدگان مان را روشنایی بخشد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ:
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ؛

وَلْيُبَدِّلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا؛

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛

وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. ﴿۱﴾

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده داده است که:

حتماً آنان را در زمین، خلیفه و جانشین قرار می‌دهد، همان گونه که دربارهی پیشینیان چنین کرده است؛

و بی‌تردید دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، مکنّت و قدرت می‌بخشد؛

و به یقین، ترس و هراس ایشان را به امنیت و آسودگی تبدیل می‌کند؛

فقط مرا می‌پرستند و هیچ چیز را همتای من بر نمی‌گیرند؛

از آن پس، اگر کسی کافر گردد، به راستی که فاسق و نافرمان خواهد بود. ﴿۱﴾

تدبیر در آیه و واکاوی برخی از نکات آن

* نکته‌ی یکم: یادآوری جای‌گاه و اهمیت وعده‌ی خدا

دیگر بار تأکید می‌کنیم که: خداوند در این سخنان سراسر امید و در این بیانات بسیار شورانگیز، به مؤمنان وعده‌ای مهم و سرنوشت‌ساز و زندگی‌پرداز داده است و پیش از این گفته‌ایم که خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند و وعده‌ی خدا حق است.

خداوند در ده جای کتاب کریمش بر این که وعده‌اش حق است، تأکید فرموده است تا هیچ تردیدی در دل‌های مؤمنان بر حتمی بودن وعده‌ی خدا نماند.^۱

* نکته‌ی دوم: تأکیدی چندباره بر تحقق وعده‌ی خدا

امانکته‌ی لطیف و دقیق در این آیه‌ی شریفه آن است که خداوند افزون بر وعده‌ای که در آغاز آیه داده است، اموری را که خود عهده‌دار

۱. یونس (۱۰): ۵۵، کهف (۱۸): ۲۱، قصص (۲۸): ۱۳، روم (۳۰): ۶۰، لقمان (۳۱): ۳۳،

فاطر (۳۵): ۵، غافر (۴۰): ۵۵، غافر (۴۰): ۷۷، جاثیه (۴۵): ۳۲، احقاف (۴۶): ۱۷.

انجام آن‌ها شده، با سه بار تأکید بیان فرموده است:

﴿لَيْسَتْ خَلْفَتَهُمْ﴾، ﴿وَلَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ﴾، ﴿وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ﴾

در هر سه فعل، افزون بر "لام تأکید" در صدر سخن، "نون تأکید" ثقیله در آخر فعل، بیانگر سه بار تأکید است.

اینک این پرسش پیش می‌آید که با وجود وعده‌ای که در آغاز آیه داده شده است، آوردن فعل، با سه بار تأکید، نشانه‌ی چیست؟

روشن است که خداوند بنای آن دارد که مؤمنان و شنوندگان، هیچ تردیدی به خود راه ندهند که حتماً، قطعاً، مسلماً و یقیناً، این وعده‌ها به وقوع خواهد پیوست.

راستی، خداوند تبارک و تعالی، چگونه سخن بگوید تا ما باورمان بشود؟!؟

*** نکته‌ی سوم: دینی که خدا از آن خشنود است**

بی‌تردید دینی که خدا از آن راضی است و به عنوان آیین برگزیده و پسندیده از آن یاد فرموده، همان اسلام است و آن اسلام، یعنی دینی که با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کامل و تمام شده است.

یادآوری می‌کنیم که در داستان پرشور و ماندگار غدیر خم، پس از انتصاب امیرالمؤمنین به ولایت، این آیه‌ی شریفه نازل شد و بشارتی بزرگ به مسلمانان داد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱

بخش یکم: وعده‌ی خدا ◀ ۲۷

«امروز دینتان را برایتان کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را آیین شما پسندیدم [و برگزیدم].»

فراموش نکنیم که اصل دین^۱ و اساس اسلام^۲ سرسپاری به آستان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

* نکته‌ی چهارم: فراگیری آرامش و آسایش

یکی از نعمت‌های بسیار بزرگ خداوند، نعمت امنیت است، همان‌که نسبت به آن ناسپاس‌ایم و قدر ناشناس، همان‌که حضرت صادق علیه السلام به نقل از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود:

نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ.^۳

دو نعمت است که پوشیده و پنهان است [یا نسبت به آن ناسپاس‌ایم]: امنیت و عافیت [سلامتی].

آری، یکی از دست‌آوردهای بسیار مهم در ظهور امام زمان، که خداوند بروز و ظهور آن را وعده داده است، همان نعمت امنیت است.

* نکته‌ی پنجم: فراگیری توحید و یکتاپرستی

به یاد می‌آوریم که نخستین و یکی از بزرگ‌ترین برتری‌های

۱. يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَضَلُّ الدِّينِ. (بصائر الدرجات: ۳۰؛ تفسیر فرات: ۲۰۵؛ بحار الأنوار ۲۳: ۳ و

۳۵: ۴۰۰)

۲. وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (کافی ۲: ۴۶؛ امالی طوسی: ۸۴؛

محاسن برقی ۱: ۱۵۰؛ محاسن ۱: ۲۸۶؛ بحار الأنوار ۲۷: ۸۲ و ۹۱؛ بحار الأنوار ۶۵: ۲۸۱ و ۳۴۳ و

۳۷۹)

۳. خصال ۱: ۳۴؛ بحار الأنوار ۷۸: ۱۷۰.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن است که آن حضرت خود فرمود:

إِنَّ أَوْلَ مَنْقَبَةٍ لِي أَنِّي لَمْ أُشْرِكْ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلَمْ أُعْبُدِ اللَّاتَ وَ
الْعُزَّىٰ.^۱

به یقین نخستین منقبت برای من آن است که همانا من حتی به
اندازه‌ی چشم بر هم زدنی هم به خدا شرک نوزیده‌ام و لات و عزی
را بندگی نکرده‌ام.

در پی و پیرو علی علیه السلام، امامان علیهم السلام نیز از هرگونه شرک، پاک و ببری
بودند و نیز بی‌تردید حضرت حجّت علیه السلام هم مانند پدران پاکش، هرگز
مشرک نبوده است.

بی‌گمان حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام در این دوران، نماد کامل
یکتاپرستی و جلوه‌ی درخشان بندگی خدای متعال است.

مهم‌ترین دست‌آورد قیام حضرت قائم علیه السلام آن است که توحید و
یکتاپرستی گسترش جهانی و همگانی می‌یابد و تمامی مظاهر و عوامل
شرک از میان می‌رود. جهان چنان می‌گردد که دیگر برای انسان‌ها
بهانه‌ای برای مشرک بودن نمی‌ماند و اگر در آن دوران کسی مشرک
شود، به راستی فاسق و تبه‌کار و نافرمان است.

تبیین و تفسیر آیه از چهار منظر

الف: بشارت به خلافت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام

بر اساس تأکیدات فراوان رسول خدا صلی الله علیه و آله در موارد و مواضع پرشمار، بی تردید حضرت علی علیه السلام به عنوان خلیفه‌ی آن حضرت معرفی و شناخته شده بود؛ چنان‌که ابن مسعود - که به ویژه نزد عامه [سنیان] از جای‌گاه ویژه‌ای برخوردار است - درباره‌ی خلافت حضرت علی علیه السلام چنین تفسیری را ارائه می‌دهد:

وَقَعَتِ الْخِلَافَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ لِثَلَاثَةِ نَفَرٍ:

لِأَدَمَ علیه السلام لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي

الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۱ يَعْنِي خَالِقٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً يَعْنِي آدَمَ علیه السلام...

خلافت از سوی خداوند در قرآن برای سه نفر واقع شده است: نخست برای آدم علیه السلام، به سبب این سخن خداوند که فرموده است: ﴿و هنگامی که خداوند به فرشتگان فرمود: من در زمین خلیفه قرار

می‌دهم.﴾ یعنی آفریننده‌ی خلیفه‌ای در زمین‌ام، یعنی آدم علیه السلام...
**وَ الْخَلِيفَةُ الثَّانِي دَاوُدُ علیه السلام لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ
 خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾^۱ يَعْنِي بَيْتَ الْمَقْدِسِ؛**
 و خلیفه‌ی دوم داود علیه السلام است، به سبب این سخن خداوند که
 می‌فرماید: ﴿ای داود، ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم.﴾ یعنی در
 سرزمین بیت المقدس.

**وَ الْخَلِيفَةُ الثَّلَاثُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام لِقَوْلِ اللَّهِ
 تَعَالَى فِي السُّورَةِ الَّتِي يَذْكُرُ فِيهَا النُّورَ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام؛
 ﴿لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ آدَمَ وَ
 دَاوُدَ؛**

**﴿وَ لَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
 خَوْفِهِمْ﴾ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ ﴿أَمْنًا﴾ يَعْنِي فِي الْمَدِينَةِ؛
 ﴿يَعْبُدُونَنِي﴾ يُوحِّدُونَنِي ﴿لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ
 ذَلِكَ﴾ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام؛
 ﴿فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲ يَعْنِي الْعَاصِينَ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ.^۳**

و خلیفه‌ی سوم حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، بر
 اساس سخن خداوند در سوره‌ی نور: ﴿خداوند به کسانی از شما که
 ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است.﴾ یعنی

۱. ص (۳۸): ۲۶.

۲. نور (۲۴): ۵۵.

۳. کشف الیقین: ۴۱۱؛ مناقب ابن شهر آشوب ۳: ۶۳؛ بحار الأنوار ۳۶: ۹۶ و ۳۸: ۱۵۳.

بخش یکم: وعده‌ی خدا ◀ ۳۱

علی بن ابی طالب، همان کسی است که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده است.

«این که بی تردید آنان را در زمین خلیفه می‌گرداند، چنان که پیشینیان از ایشان را خلیفه گردانید.» یعنی پیش‌تر، آدم و داود را خلیفه قرار داد.

«و حتماً دینی را که برای آنان راضی است، برایشان مکنّت و قدرت می‌بخشد و ترس‌شان را به امنیت بدل می‌فرماید.» یعنی ترس‌شان را از اهل مکه در مدینه به امنیت بدل می‌فرماید.

«می‌پرستند» یعنی مرا به یکتایی می‌پرستند. «چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند. و اگر کسی پس از آن کافر شود» یعنی به ولایت علی بن ابی طالب کافر گردد.

«هم آنان فاسقان‌اند.» یعنی نسبت به فرمان خدا و رسول خدا عصیانگران‌اند.

ب: بشارت به وصایت و خلافت ائمه علیهم‌السلام

استناد به آیه‌ی شریفه در اثبات خلافت دیگر امامان علیهم‌السلام، در این بیان حضرت باقر علیه‌السلام به روشنی رخ نموده است:

... وَ اَیْمُ اللَّهِ لَقَدْ نَزَلَ الرُّوحُ وَ الْمَلَائِكَةُ بِالْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَی
آدَمَ.

وَ اَیْمُ اللَّهِ مَا مَاتَ آدَمُ إِلَّا وَ لَهُ وَصِيٌّ وَ كُلُّ مَنْ بَعَدَ آدَمَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ
قَدْ أَتَاهُ الْأَمْرُ فِيهَا وَ وَضَعَ لِوَصِيِّهِ مِنْ بَعْدِهِ.

وَ اَیْمُ اللَّهِ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ لَيُؤَمَّرُ فِيمَا يَأْتِيهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ
مِنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم أَنْ أَوْصِيَ إِلَى فُلَانٍ.

به خدا سوگند، هرآینه روح القدس و فرشتگان در شب قدر با فرمانی ویژه بر آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شدند.

به خدا سوگند، آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ از دنیا نرفت جز آن‌که وصی داشت. و هر پیامبری که پس از آدم آمد، همان فرمان ویژه در شب قدر بر او فرود آمد و آن پیامبر، آن فرمان را در وصی پس از خویش به جای نهاد. به خدا سوگند، هرآینه پیامبر در همان امر [وصایت و جانشینی] که از آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا محمد مصطفی عَلَيْهِ السَّلَامُ، سریان و جریان داشت و در آن شب [قدر] به سویش آمد، دستور یافت که: به فلانی وصیت کن.

وَلَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ لَوْلَا الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَاصَّةً: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ إِلَى قَوْلِهِ ﴿فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

يَقُولُ: أَسْتَخْلِفُكُمْ لِعِلْمِي وَدِينِي وَعِبَادَتِي بَعْدَ نَبِيِّكُمْ كَمَا اسْتَخْلَفَ وَصَاةَ آدَمَ مِنْ بَعْدِهِ حَتَّى يَبْعَثَ النَّبِيَّ الَّذِي يَلِيهِ.

و البته خداوند در کتابش درباره‌ی والیان امر پس از حضرت محمد به طور ویژه چنین فرمود: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده داده است که: حتماً آنان را در زمین خلیفه و جانشین قرار می‌دهد؛ همان گونه که درباره‌ی پیشینیان چنین کرده است.» تا آن جا که می‌فرماید: «از آن پس، اگر کسی کافر گردد، به راستی که فاسق و نافرمان خواهد بود.»

خداوند می‌فرماید: "من پس از پیامبرتان آنان را برای دانش و دین و عبادت، خلیفه قرار می‌دهم." چنان‌که خداوند، اوصیای آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را پس از آن حضرت، خلیفه قرار داد تا آن‌که پیامبری را که در پی

اوست، برانگیزد.

﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ يَقُولُ: يَعْبُدُونَنِي بِإِيمَانٍ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ﷺ؛ فَمَنْ قَالَ غَيْرَ ذَلِكَ ﴿فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ فَقَدْ مَكَّنَ وُلاةَ الْأَمْرِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ بِالْعِلْمِ وَ نَحْنُ هُمْ؛ فَاسْأَلُونَا، فَإِنْ صَدَقْنَاكُمْ فَأَقِرُّوا وَ مَا أَنْتُمْ بِفَاعِلِينَ.

أَمَّا عَلِمْنَا فَظَاهِرٌ وَ أَمَّا إِبَانُ أَجَلِنَا الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ الدِّينُ مِنَّا حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَ النَّاسِ اخْتِلَافٌ، فَإِنَّ لَهُ أَجْلاً مِنْ مَمَرِّ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ، إِذَا أَتَى ظَهَرَ وَ كَانَ الْأَمْرُ وَاحِدًا...^۱

﴿آنان مرا عبادت می‌کنند و چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند.﴾
می‌فرماید: مرا با این ایمان عبادت می‌کنند که هیچ پیامبری پس از محمد ﷺ نیست؛ پس هر کس به جز این را بگوید ﴿پس هم‌آنان فاسقان‌اند.﴾

هرآینه خداوند پس از حضرت محمد مصطفی و الیان امر را با دانش، مکنّت و قدرت بخشید و آن و الیان امر ماییم، پس، از ما بپرسید، اگر با شما صادق بودیم، پس [بر حقانیت ما] اقرار کنید و البته چنین نخواهید کرد.

اما دانش ما، آشکار است و اما زمان اجل ما - همان‌که دین در آن، از ما آشکار می‌شود تا آن‌که دیگر میان مردم اختلافی نباشد - برای آن سرآمدی است که با سپری شدن شب‌ها و روزها، فرامی‌رسد و چون فرارسد، امر [حکومت و خلافت] ما آشکار و [دین] یکی می‌شود [و اختلاف از میان برمی‌خیزد].

بر اساس این بیانات، خلافت و جانشینی ائمه علیهم‌السلام دو جلوه دارد:
 * جلوه‌ی علمی آن‌گرمیان، که حداقل بخشی از آن در برخی دوران‌ها، مانند هنگام خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه‌السلام و در روزگار حضرات باقر و صادق و رضا علیهم‌السلام، بروز و ظهور بیشتری داشته و منشأ حفظ دین شده است.

* خلافت و حکومت ظاهری آنان که در قدرت یافتن جهانی دین اسلام و گسترش دادگری و امنیت همگانی و سراسری، رخ می‌نماید.
 از همین روست که فرموده‌اند: منظور از بندگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، ائمه علیهم‌السلام اند که خداوند وعده‌ی خویش را درباره‌ی آنان انجام داده و می‌دهد، چنان‌که در این روایت آمده است:
 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ قَالَ هُمْ الْأَئِمَّةُ.^۱

عبدالله بن سنان می‌گوید: از حضرت صادق راجع به این سخن خدا پرسیدم: ﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که بی‌تردید آنان را خلیفه می‌گرداند، چنان‌که پیشینیان آنان را خلیفه کرده است.﴾
 امام علیه‌السلام فرمود: منظور خداوند از آن بندگان مؤمن و خوش‌کردار که خلیفه می‌شوند، همان ائمه علیهم‌السلام اند.^۲

۱. کافی ۱: ۱۹۳.

۲. در دو نقل دیگر آمده است:

ج: تحقق وعده‌ی خدا درباره‌ی همه‌ی امامان در رجعت

چنان‌که گفته‌ایم تجلی دیگری از این وعده‌ی خدا، تحقق آن درباره‌ی همه‌ی امامان در هنگام رجعت آنان به این دنیا است. عقیده‌ی به رجعت که از اختصاصات باور بالنده‌ی شیعه است، ریشه در آیات قرآنی و روایات پرشماری دارد که ما را به آن یقین می‌رساند که بی‌تردید پیش از رستاخیز بزرگ و برپایی قیامت کبری، گروهی از بندگان برگزیده‌ی خدا، یا شماری از تیره‌بختان سیاه‌دل، به دنیا باز می‌گردند و حوادثی در آن بازگشتِ شگفت‌انگیز رخ می‌دهد که یکی از آنها وقوع همان وعده‌ای است که خداوند داده است.

نخستین روایتی که در این باب می‌آوریم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که ضمن اثبات بحث رجعت مبتنی بر آیات قرآن، از این آیه‌ی شریفه نیز به عنوان شاهد مثال، یاد فرموده است:

۱. اثبات رجعت بر اساس آیات قرآن

... وَ أَمَّا الرَّدُّ عَلَىٰ مَنْ أَنْكَرَ الرَّجْعَةَ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۱ أَيْ إِلَى الدُّنْيَا.

۱ * عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ الْآيَةَ. قَالَ: نَزَلَتْ فِي آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام. (تفسیر فرات: ۲۲۸؛ بحار الأنوار ۲۴: ۱۶۶)

* عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَوْنٍ قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ الْآيَةَ. قَالَ: هِيَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (تفسیر فرات: ۲۸۹؛ بحار الأنوار ۲۴: ۱۶۶؛ شواهد التنزیل ۱: ۵۳۷)

وَ أَمَّا مَعْنَى حَشْرِ الْأَخِرَةِ فَقَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَ حَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ
تُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾^۱

وَ قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ: ﴿وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾
فِي الرَّجْعَةِ، فَأَمَّا فِي الْقِيَامَةِ فَإِنَّهُمْ يَرْجِعُونَ.^۲

وَ مِثْلُ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ
كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ
لَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۳ وَ هَذَا لَا يَكُونُ إِلَّا فِي الرَّجْعَةِ.

... و اما [دلیل] ردّ بر کسی که منکر رجعت است، این سخن خداوند
است: ﴿و روزی که از هر امتی گروهی از آن‌ها را که آیات ما را دروغ
شمرده‌اند، محشور می‌کنیم. پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه
به هم بپیوندند﴾ یعنی در دنیا به هم بپیوندند.

و اما معنای حشر آخرت، همان سخن خداوند است که می‌فرماید: ﴿و
مردم را محشور می‌کنیم و هیچ یک از ایشان را وانمی‌نهمیم﴾
و نیز این سخن خداوند که می‌فرماید: ﴿و حرام است بر [مردم]
شهری که نابودشان کرده‌ایم، که [به دنیا] بازگردند﴾ یعنی در رجعت
حرام است که بازگردند، اما در قیامت باز می‌گردند.

و نیز مانند این سخن خداوند متعال: ﴿و [باد کن] هنگامی را که
خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی

۱. کهف (۱۸): ۴۷. به استناد این آیه معلوم می‌گردد که حشر در آیه‌ی قبلی، همان رجعت
است، زیرا در حشر آخرتی کسی باقی نمی‌ماند جز آن که محشور می‌شود، در رجعت از هر گروهی
عده‌ای زنده می‌شوند.

۲. انبیاء (۲۱): ۹۵.

۳. آل عمران (۳): ۸۱.

بخش یکم: وعده‌ی خدا ◀ ۳۷

دادم، سپس شما را رسولی آمد که تصدیق کننده‌ی آن چیزی است که با شماست، حتماً به او ایمان بیاورید و بی‌تردید یاری‌اش کنید.»
این امر [یعنی ایمان و یاری کردن رسولان] جز در رجعت نخواهد بود.

۲. رجعت و حکومت ائمه علیهم‌السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام این آیه‌ی شریفه را در چند مورد و موضع به عنوان شاهد مثالی برای اثبات بحث رجعت استفاده فرموده است:

وَأَمَّا مَا تَأْوِيلُهُ بَعْدَ تَنْزِيلِهِ فِيهِ الْأُمُورُ الَّتِي أَخْبَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهَا سَتَكُونُ بَعْدَهُ مِثْلُ... وَ أَخْبَارُ السَّاعَةِ وَ الرَّجْعَةِ وَ صِفَاتُ الْقِيَامَةِ، مِثْلُ قَوْلِهِ تَعَالَى: ... وَ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾^۱

و اما آیاتی که تأویل آن‌ها پس از تنزیل‌شان است، عبارت‌اند از اموری که خداوند رسولش را از آن امور آگاه فرموده و گفته است که آن امور به زودی واقع خواهند شد... و مانند اخبار ساعت [قیامت] و رجعت و صفات قیامت. [در واقعه و حادثه‌ی رجعت] مانند این سخن خداوند که می‌فرماید: ﴿خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که بی‌تردید آنان را در زمین خلیفه می‌گرداند، چنان‌که پیشینیان را خلیفه گردانیده است و

حتماً دینی را که برای آنان می‌پسندد، مکنت و قدرت می‌بخشد. ﴿... وَ مِثْلُهُ مَا خَاطَبَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَئِمَّةَ وَ وَعَدَهُمْ مِنَ النَّصْرِ وَ الْإِنْتِقَامِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱ وَ هَذَا إِنَّمَا يَكُونُ إِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا...^۲

... آیه‌ی دیگری که مانند آیات یاد شده بیانگر رجعت است، همان است که خداوند به آن آیه، ائمه علیهم‌السلام را مخاطب ساخته و به آن گرامیان وعده‌ی پیروزی و انتقام‌جویی از دشمنان‌شان داده و فرموده است: ﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که بی‌تردید ایشان را در زمین خلیفه می‌گرداند، چنان‌که پیشینیان از ایشان را خلیفه گردانید و حتماً دینی را که برایشان راضی است، مکنت و قدرت می‌بخشد و به یقین، خوف آنان را به امنیت بدل می‌فرماید. مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند.﴾ همانا این امر هنگامی رخ می‌دهد که آنان به دنیا بازمی‌گردند...^۳

۱. نور (۲۴): ۵۵.

۲. بحار الأنوار ۵۳: ۱۱۸ و ۹۰: ۸۷.

۳. این مضمون در جای دیگر هم آمده است:

* قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: ... وَ مِثْلُهُ كَثِيرٌ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَئِمَّةَ عليهم‌السلام مِنَ الرَّجْعَةِ وَ النَّصْرِ؛ فَقَالَ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ يَا مَعْشَرَ الْأَئِمَّةِ ﴿وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ إِلَى قَوْلِهِ ﴿لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾ فَهَذِهِ مِمَّا يَكُونُ إِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا؛ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ كَفَتْ: ... وَ مِثْلُهُ مِنْ آيَاتِ، از

۳. رجعت پیامبران برای یاری امیر مؤمنان علیه السلام

حضرت صادق علیه السلام درباره‌ی این سخن خداوند که می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۱

﴿و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان استوار گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را رسولی آمد که تصدیق کننده‌ی آن چیزی بود که با شماست، حتماً به او ایمان بیاورید و البته یاری‌اش کنید﴾

فرموده است:

مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَّا وَ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا، فَيَنْصُرُ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ قَوْلُهُ: ﴿لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ﴾ يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ﴿وَ

﴿ وعده‌های خدا به ائمه، فراوان است. همان وعده‌ی رجعت و نصرت؛ خداوند فرموده است: ﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، وعده داده است﴾ ای گروه امامان، [این وعده برای شماست] ﴿و عمل صالح انجام داده‌اند﴾ تا آن جا که می‌فرماید: ﴿و چیزی را شریک و انباز من نمی‌دانند﴾ تحقق این وعده هنگامی است که آنان به دنیا بازمی‌گردند. (تفسیر قمی ۱: ۲۵؛ بحار الأنوار ۵۳: ۶۱)

* أَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله و سلم فِي كِتَابِهِ مَا يُصِيبُ أَهْلَ بَيْتِهِ بَعْدَهُ مِنَ الْقَتْلِ وَ الْغَضَبِ وَ الْبَلَاءِ ثُمَّ يَرُدُّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا وَ يَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ وَ يَمْلِكُهُمُ الْأَرْضُ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: ... ﴿وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾: خداوند آن چه را که از کشته شدن و غضب حقوق و بلایی که پس از پیامبر به اهل بیتش می‌رسد، به پیامبرش خبر داده است. سپس خداوند، آنان را به دنیا بازمی‌گرداند و آنان هم دشمنان شان را می‌کشند و خداوند زمین را به مالکیت آنان درمی‌آورد و این است سخن خداوند: ... ﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است﴾ (بحار الأنوار ۵۳: ۱۱۷)

لَتَنْصُرُنَّهُ ﴿ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۱﴾

خداوند از زمان حضرت آدم هیچ پیامبری را برنیا نگیخت جز آن که به دنیا بازخواهد گشت و امیرالمؤمنین را یاری خواهد کرد. و این سخن که می‌فرماید: ﴿و حتماً به او ایمان بیاورید﴾ یعنی به رسول خدا ایمان بیاورید و این که می‌فرماید: ﴿و البته یاری‌اش کنید﴾ یعنی امیرالمؤمنین را یاری کنید.

۴. زنده شدن پیکارگران پیروز!

در پیمانی که به توصیه و آموزش حضرت صادق علیه السلام هر بامداد با حضرت صاحب الزمان علیه السلام تجدید می‌کنیم، از جمله آمده است:

اللَّهُمَّ، فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادَكَ
حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي،
مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي! ۲

خدایا، پس اگر مرگ، میان من و [ظههور] امام زمان جدایی افکند، همان مرگی که [وقوعش را] بر بندگانت حتمی فرموده و فرمان قطعی صادر کرده‌ای، پس مرا از قبرم بیرون بیاور، در حالی که کفن به بر کرده‌ام و شمشیرم را از نیام برکشیده و آخته‌ام و نیزه‌ام را آماده داشته‌ام، در هر شهر و دیاری، دعوت صاحب الزمان را لبیک می‌گوییم.

به این ترتیب پیداست که در ظهور حضرت قائم آل محمد علیه السلام،

۱. تفسیر قمی ۱: ۱۰۶؛ بحار الأنوار ۵۳: ۶۱ و نیز: تأویل الآیات: ۱۲۱؛ بحار الأنوار ۲۴: ۳۵۲

و ۲۶: ۲۹۷؛ تفسیر عیاشی ۱: ۱۸۱.

۲. مصباح کفعمی: ۵۵۰؛ بحار الأنوار ۵۳: ۹۵.

گروهی از شیعیان نیز زنده و برانگیخته می‌شوند و به یاری حضرت حجت علیه السلام برمی‌خیزند. وقوع این حادثه‌ی شگفت‌انگیز در این سخن سدید از امیرالمؤمنین علیه السلام رخ نموده است:

فَيَا عَجَبًا وَ كَيْفَ لَا أَعْجَبُ مِنْ أَمْوَاتٍ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ أَحْيَاءَ يُلَبُّونَ
زُمرَةً زُمرَةً بِالتَّلْبِيَةِ: لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، يَا دَاعِيَ اللَّهِ!
قَدْ تَخَلَّلُوا بِسِجِّكَ الْكُوفَةَ؛ قَدْ شَهَرُوا سَيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ؛
لَيَضْرِبُونَ بِهَا هَامَ الْكُفْرَةِ وَ جَبَابِرَتِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ مِنْ جَبَّارَةِ الْأَوْلِيَيْنِ
وَ الْآخِرِينَ؛

حَتَّى يُنْجِزَ اللَّهُ مَا وَعَدَهُمْ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ
آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾
أَيَّ يَعْبُدُونَنِي آمِنِينَ لَا يَخَافُونَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِي لَيْسَ عِنْدَهُمْ
تَقِيَّةٌ ۱.

پس شگفتا و چگونه شگفت‌زده نشوم از مردگانی که خداوند آنان را
زندگان برمی‌انگیزد و گروه گروه به تلبیه^۲ ملزم می‌شوند و می‌گویند:
گوش به فرمان‌ایم، گوش به فرمان‌ایم، ای دعوت‌کننده‌ی خدا!
هرآینه در کوچه‌های کوفه راه می‌سپارند؛ شمشیرهایشان را آخته
کرده و بر شانه‌هایشان نهاده‌اند؛ با آن، سرهای کافران و تمامی
ستمگران و پیروان آنان را می‌زنند.

۱. بحار الأنوار ۵۳: ۴۷.

۲. اجابت دعوت

چنین می‌کنند تا خداوند آن‌چه را که به ایشان وعده داده است، به انجام برساند، همان وعده‌ای که فرموده: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که بی‌تردید آنان را در زمین جانشین می‌گرداند، چنان‌که پیشینیان از ایشان را جانشین گردانید و حتماً دینی را که برای آنان راضی است، برایشان مکننت و قدرت می‌بخشد و به یقین، ترس آنان را به امنیت تبدیل می‌فرماید. مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند.»

یعنی از آن پس، در آسایش و آرامش به عبادت من می‌پردازند و دیگر از هیچ‌یک از بندگان من نمی‌هراسند و تقیه‌ای نزدشان نخواهد بود.^۱

۱. یعنی تا آن زمان، در هول و هراس و ترس مرا می‌پرستیدند و کسی را شریک من نمی‌گرفتند و از آن پس، در امان و امنیت مرا می‌پرستند و کسی را همتای من نمی‌گیرند.

نقاوه و نتیجه

دانستیم که خداوند آن‌گاه که وعده‌ای می‌دهد، حتماً و حکماً به وعده‌اش عمل می‌کند. از همین روست که از وعده‌ی خدا با اوصافی چون حق و صدق و شدنی، یاد شده است. وعده‌ی نصرت مؤمنان و وقوع قیامت و آمرزش و بهشت و دوزخ و آتش و عذاب، از وعده‌های خداست.

محور بحث در این بخش، آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مبارکه‌ی نور است که خداوند در آن، استخلاف بندگان صالح و مُکنت دین خویش و تبدیل خوف مؤمنان به امنیت را وعده داده است.

نکات برگرفته از آیه را بیان کردیم و دانستیم که:

* خداوند با بهره‌گیری از واژه‌های ویژه، بر تحقق وعده‌ی خویش پای فشرده است.

* دینی که خدا از آن راضی است، همان اسلام هم‌راه با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که اصل اسلام نیز همان است.

* دانستن قدر و ارزش نعمت را یادآور شدیم و از امنیت فراگیر

یاد شده در آیه سخن گفتیم.

* گفتیم که این آیه از چهار منظر قابل بررسی است. تبیین و تفسیر آیه را از سه منظر آموختیم و بر آن اساس تحقق بخشی از وعده‌ی خدا را در خلافت امیرالمؤمنین و ائمه علیهم‌السلام شناختیم و از تحقق کامل وعده‌ی خدا، در رجعت امامان علیهم‌السلام آگاه شدیم.

* به همین مناسبت بحث کوتاهی در اثبات رجعت، عرضه داشتیم و آموختیم که در ظهور امام زمان، گروهی از شیعیان برای یاری حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام، زنده می‌شوند و در رکاب آن عزیز، پیکار می‌کنند.

تفصیل منظر چهارم را در بخش دیگر، پی می‌گیریم.

اینک شما باید بتوانید:

۱. بر اساس آیات قرآن، وقوع حتمی وعده‌های الهی را بیان کنید.
۲. برخی از وعده‌های خداوند را برشمارید.
۳. آیه‌ی مورد بحث در این بخش را با معنای آن، از حفظ بخوانید.
۴. نکات مهمّ استفاد از آیه را بگویید.
۵. از چهار منظری که به تفسیر آیه نگریسته‌ایم، سه منظر را برشمارید و توضیح دهید.

به این پرسش‌ها پاسخ دهید

۱. برخی از وعده‌های خدا را ذکر کنید.
۲. خداوند درباره‌ی بندگان مؤمن و شایسته چه وعده‌ای داده است؟
الف: ب: ج:
۳. دینی که خدا از آن راضی است کدام دین است؟ مشخصه‌ی آن چیست؟
۴. تحقق بخشی از وعده‌ی خدا به بندگان مؤمن و صالح، چگونه رخ داده است؟
۵. تحقق کامل وعده‌ی خدا درباره‌ی همه‌ی امامان علیهم‌السلام در چه زمانی خواهد بود؟
۶. برای اثبات موضوع مورد بحث در پرسش پیشین، به کدام آیه استناد می‌کنید؟
۷. پیامبران پیشین چگونه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را یاری می‌کنند؟
۸. ویژگی شگفت‌انگیز برخی از یاران حضرت ولی عصر علیه‌السلام چیست؟

بخش دوم

خلافت و مکتب حضرت محمد علیه السلام مدی

مطلع

مطلع این بخش را بخشی از دعایی قرار می‌دهیم که حضرت صادق علیه السلام دستور داده است تا در زیارتی که روز عاشورا می‌خوانیم، بخوانیم و بخواهیم:

سپس دو دستت را بالا می‌بری و با این دعا، قنوت می‌گیری و در حالی که به دشمنان آل محمد اشاره می‌کنی، می‌گویی:

خدایا، شمار زیادی از امت:

– با امامان و پیشوایان دین دشمنی ورزیدند.
همان پیشوایانی که دین خدا و دانش آسمانی و حکمت‌ها و معارف الهی را پاییدند [یا خداوند آنان را برای حفاظت دین خویش برگرفت].

– به کلمه‌ی توحید کافر گشتند.

– همراه با کوچکی و خواری به سرسپاری در

برابر ستمگران روی آوردند و به آنان پیوستند.

- از [آموزه‌های] کتاب و سنت دور شدند.
- از دو ریسمان استوار [قرآن و عترت] که به فرمان‌بری و چنگ زدن به آن دو، فرمان یافته بودند، عدول کردند و منحرف شدند.
- پس [در پی وانهادن کتاب و سنت و عترت] همان امت ستمگر، حق را کشتند.
- و از راه میانه منحرف شدند.

- احزاب و گروه‌های گمراه را یاری و پیروی کردند.

- کتاب خدا را تحریف کردند [و از معنای راستینش بازگرداندند].

- و آن هنگام که حق [جانشینی علی علیه السلام] به سویشان آمد، نسبت به آن کفر ورزیدند و انکار کردند.

- و آن‌گاه که باطل بر آنان عرضه و عارض شد، سخت به آن آویختند.

- پس ای خداوند، [به دنبال این اقدامات تبه‌کارانه] حق تو را تباه ساختند.

- و آفریدگانت را گمراه کردند.

- و فرزندان پیامبرت را کشتند، همان گرامیانی که بهترین بندگان و حاملان دانش و وارثان حکمت و وحی تو بودند.^۱

۱. ثُمَّ اَرْفَعِ يَدَيْكَ وَ اَقْنُتْ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَقُلْ وَ اَنْتَ تُؤَمِّىْ اِلَى اَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ

این حوادث شوم که حضرت صادق علیه السلام در دعای خویش از آنها یاد می‌کند، بخش بسیار کوچکی از مصیبت‌هایی است که در پی غصب خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام رخ داده است. در دنباله‌ی دعا، حضرت صادق علیه السلام چنین درخواست‌هایی می‌کند:

خدایا، گام‌های دشمنانت و دشمنان رسول و اهل بیت رسالت را بلرزان و بلغزان؛
پرووردگارا، سرزمین آنان را ویران و سلاح‌شان را کُند و بی‌اثر کن؛
جمع‌شان را بپراکن و میان‌شان اختلاف بیفکن و بازوان قدرت‌شان را بشکن؛
و نیرنگ‌شان را سست و بی‌اثر فرما و به ضربت شمشیر برنده‌ات آنان را بنواز؛
و با سنگ کوبنده و نابودکننده‌ات ایشان را نشانه بگیر و بکوب.
خدایا، با بلاهایی که نازل می‌فرمایی سخت بر آنان چیره شو و ایشان را فروگیر،
و با عذابی سنگین آنان را بروب و از میان بردار،

عَلَيْهِ: اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَيْمَةِ وَ كَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ وَ عَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّالِمَةَ وَ هَجَرَتْ الْكِتَابَ وَ السُّنَّةَ وَ عَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِطَاعَتَيْهِمَا وَ التَّمَسُّكِ بِهِمَا. فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ وَ حَادَتْ عَنِ الْقَصْدِ وَ مَالَاتِ الْأَحْزَابَ وَ حَرَفَتِ الْكِتَابَ وَ كَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا وَ تَمَسَّكَتِ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اغْتَرَضَهَا. فَضَيَّعَتْ حَقَّكَ وَ أَضَلَّتْ خَلْقَكَ وَ قَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَةَ عِبَادِكَ وَ حَمَلَةَ عِلْمِكَ وَ وَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَ وَحْيِكَ.

و با عقوبتی سخت و زشت، عذاب‌شان فرما.
 الهی، آنان را با قحطی و خشک‌سالی و
 عذاب‌هایی که دشمنانت را با آنها نابود
 فرمودی، فروگیر و نابودشان فرما.
 ای خداوند، همانا تو انتقام‌گیرنده از
 مجرمانی.

بارالها، بی‌گمان سنت تو از میان رفته و تباه
 شده و احکامت معطل مانده و عترت
 پیامبرت [بر اثر ستم] در زمین سرگشته و
 حیران‌اند.

ای قادر متعال، حق و اهلش را یاری فرما و
 باطل و اهلش را بکوب و خوار و زبون کن و
 با نجات و رهایی ما، بر ما منت بگذار و به
 سوی ایمان هدایت‌مان فرما و در فرج و
 گشایش بر ما شتاب بورز و آن را در راستای
 فرج و گشایش امر اولیایت قرار بده و ایشان
 را دوستدار ما بگردان و ما را میهمان آنان
 قرار بده.

ای خداوند، کسی را که روز کشته شدن پسر
 پیامبر و بهترین بندهات را عید قرار داده و از
 سر سرکشی و شادمانی، در آن روز فریاد
 سُرور برآورده است، نابود فرما و آخرین نفر
 آنان را برگیر، چنانکه نخستین نفرشان را
 برگرفتی [و نابود فرمودی].

پروردگارا، عذاب و عقوبت و بلا را بر کسانی

که بر اهل بیت پیامبرت ستم روا می‌داشتند،
چندین برابر بیفزا و پیروان و پیشوایان آنان
را نابود فرما و حامیان و جماعت‌شان را از
میان بردار.^۱

روشن است که تحقق کامل این درخواست‌ها
جز در ظهور حضرت حجت بن الحسن علیه السلام،
و تحقق وعده‌ی خداوند در خلافت بندگان
مؤمن و صالح، واقع نخواهد شد.

در این بخش روایاتی را که بر تحقق آن
بشارت بزرگ و وعده‌ی امیدبخش دلالت
دارند، نقل می‌کنیم.

۱. اللَّهُمَّ فَزَلِّزْ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ وَ أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ وَ أَخْرِبْ دِيَارَهُمْ وَ
أَفْلُلْ سِلَاحَهُمْ وَ خَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتَيْهِمْ وَ فَتِّ فِي أَعْضَادِهِمْ وَ أَوْهِن كَيْدَهُمْ وَ اضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ
ارْزِمِهِمْ بِخَجْرِكَ الدَّامِغِ وَ طَمِّهِمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا وَ قُمَّهِمْ بِالْعَذَابِ قَمًّا وَ عَذِّبِهِمْ عَذَابًا نُكْرًا وَ خُذْهُمْ
بِالسِّنِينَ وَ الْمَثَلَاتِ الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَكَ ضَائِعَةٌ وَ أَحْكَامَكَ مُعْطَلَةٌ وَ عِثْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَ
أَهْلَهُ وَ اقْمَعْ الْبَاطِلَ وَ أَهْلَهُ وَ مَنْ عَلَيْنَا بِالنُّجَاةِ وَ اهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ وَ عَجِّلْ فَرَجَنَا وَ انظِمْهُ بِفَرَجِ
أَوْلِيَانِكَ وَ اجْعَلْهُمْ لَنَا وَدَاً وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْدًا. اللَّهُمَّ وَ أَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ
عَيْدًا وَ اسْتَهْلَ بِهِ فَرْحًا وَ مَرْحًا وَ خُذْ آخِرَهُمْ كَمَا أَخَذْتَ أَوْلِيَهُمْ. وَ أضعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَ التَّنْكِيلَ
عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ أَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَ قَادَتَهُمْ وَ أَبْرِ حُمَاتَهُمْ وَ جَمَاعَتَهُمْ. (مصباح

با خواندن روایات شورآفرین این بخش

در پی آن خواهیم بود تا:

- * اهمیت و ارزش سخنان گران‌سنگ خداوند را در اوج معراج در این امور دریابیم:
- بلندای بندگی رسول خدا ﷺ
- منزلت والای جانشین حبیب خدا ﷺ
- وعده‌ی ظهور حضرت حجّت ﷺ
- دست‌آوردهای درخشان قیام جهانی حضرت قائم ﷺ

* سخن رسول خدا ﷺ را در زدایش ظلم و گسترش دادگری با استناد به آیه‌ی شریفه، به خاطر بسپاریم.

* بر اساس بیانات حضرت امیرالمؤمنین ﷺ، با دشواری‌های دوران غیبت و آزمون امت آشنا شویم و این حقایق و وقایع را بشناسیم:

- غوطه‌وری امت در حیرت و هلاکت.
- سرگردانی و سختی در غیبت حضرت حجّت ﷺ

- سرور و سعادت برای شیعیان حضرت حجّت ﷺ
- سرآمد مرگ ابلیس

براساس این آموزه‌ها و آشنایی‌هاست که دین خود را می‌پاییم و در ایمان به حضرت قائم آل‌محمد ﷺ استوار و پایدار می‌مانیم.

* سخنان بس شگفت انگیز حضرت صادق علیه السلام را درباره‌ی شب جمعه‌ی سرنوشت‌سازی که در آن، بر اثر دعا و درخواست رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی و حسن و حسین علیهم السلام، اذن ظهور داده می‌شود، خوب به خاطر بسپاریم و ما نیز، به ویژه در شب‌های جمعه، برای تعجیل در فرج آل محمد علیهم السلام، از صمیم دل، دعا کنیم.

* با توجه به سخن حضرت جواد علیه السلام مبنی بر بدائی بودن نشانه‌های حتمی ظهور، دریابیم که اصل ظهور امام زمان علیه السلام هرگز بداپذیر نخواهد بود و وعده‌ی قطعی خداوند است و بی هیچ تردیدی، واقع می‌شود. به این ترتیب دیو ناامیدی را از خود دور کنیم و به وعده‌ی خداوندی دل بسپاریم و برای وقوعش دعا کنیم.

* همانند حضرت صادق علیه السلام، در مواجهه با دشواری‌ها و آزار دشمنان، به وعده‌ی خدا مبنی بر استخلاف و امنیت مؤمنان صالح، چشم امید و آرزو بدوزیم و انجام و انجام آن وعده را عاجزانه از خداوند درخواست کنیم.

* از خواندن دعاهای ژرف و زیبایی که با قاطعیت و صراحت از وقوع حتمی وعده‌ی خداوند، یاد می‌کنند، غفلت نورزیم.

* دیگر شیعیان و منتظران و دوستان حضرت
حجت علیه السلام را نیز به خواندن آن دعاها تشویق و
ترغیب کنیم.

* خالصانه و منتظرانه، از خداوند درخواست
کنیم تا هر آن‌چه را که در آن دعاها از او
خواسته‌ایم، هر چه پرشتاب‌تر، به انجام برساند.

سخنان گران سنگ خداوند در اوج معراج

* بلندای بیانات معراجیه

تردیدى نیست که رسول خدا ﷺ از سر هوس سخن نمی گوید، هرچه می گوید جز وحی الهی و آسمانی نیست.^۱ اما روشن است که زمان و مکان و نیز وزن سخنان خداوند بار رسول خویش، متفاوت است. گاهی سخن خدا چنان است که خود از آن، به عنوان سخن سنگین یاد می فرماید:

﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾^۲

«بی گمان ما به زودی گفتاری گران بار بر تو القا می کنیم.»
گاهی سخن خدا در زمانی خاص، مانند شب قدر نازل می شود.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^۳

۱. ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ نجم (۵۳): ۴-۳.

۲. مزمل (۷۳): ۵.

۳. قدر (۹۷): ۱.

و گاهی مکان سخن، بیانگر گران‌باری و گران‌قدری گفتار است. در حدیث پیش رو، ابن عباس نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: ^۱
**لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ مِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ^۲ وَ مِنْ
 السِّدْرَةِ إِلَى حُجُبِ النُّورِ...**

هنگامی که مرا به آسمان هفتم و از آن جا به سدره المنتهی و از سدره المنتهی به حجاب‌های نور بردند... روشن است سخنانی که در آن جا گفته می‌شود از جای‌گاه ویژه‌ای برخوردار است و اسرار و رموز بسیاری را در بر دارد.

* اوج بندگی، برترین مقام

ادامه‌ی سخنان خداوند در آن مکان خاص، بیانگر اهمیت و گران‌قدری گفتار است:

**نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَ أَنَا رَبُّكَ؛
 فَلِي فَاخْضَعْ وَ إِيَّايَ فَاعْبُدْ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ وَ بِي فَثِقْ؛
 فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَ حَبِيبًا وَ رَسُولًا وَ نَبِيًّا؛**

پروردگارم، جل جلاله، با من سخن گفت و فرمود: ای محمد، تو بنده‌ی منی و من پروردگار توام؛

پس در برابر من خاضع باش و تنها مرا بندگی و بر من توکل و به من

۱. در دفتر یکم از این مجموعه، حدیث دیگری هم درباره‌ی گفت‌وگوی خداوند با رسول خدا ﷺ در معراج آورده‌ایم.

۲. سدره المنتهی: و هی شجرة عن یمین العرش، فوق السماء السابعة، انتهى إليها علم کل ملک. و قيل: هی شجرة طوبی؛ سدره المنتهی درختی است از سمت راست عرش، بر فراز آسمان هفتم، دانش هر فرشته‌ای به آن جا منتهی می‌شود. و گفته‌اند: سدره المنتهی همان درخت طوبی است.

اعتماد کن؛

همانا من راضی شده‌ام که تو بنده و حبیب و فرستاده و پیامبر من باشی؛

* منزلت والای جانشین حبیب خدا

در ادامه، خداوند از مقام والای جانشین برترین بنده‌اش سخن می‌گوید و نقش اساسی و جای‌گاه سازنده و سرنوشت‌ساز او را چنین معرفی می‌فرماید:

وَ بِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَ بَابًا؛

فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي وَ إِمَامٌ لِخَلْقِي؛

بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي؛

وَ بِهِ يُمَيِّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي؛

وَ بِهِ يُقَامُ دِينِي وَ تُحْفَظُ حُدُودِي وَ تُنْفَذُ أَحْكَامِي؛

وَ بِكَ وَ بِهِ وَ بِالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِكَ أَرْحَمُ عِبَادِي وَ إِمَائِي.

و نیز راضی شده‌ام که علی، خلیفه [جانشین] و باب [دروازه‌ی دانش] تو باشد؛

پس همو حجت من بر بندگانم و امام بر آفریدگانم است؛

به اوست که دوستانم از دشمنانم شناخته می‌شوند؛

و به اوست که حزب شیطان از حزب من تمیز داده می‌شود؛

و به او دینم برپا می‌گردد و حدود [آیینم] حفظ و احکامم نافذ می‌شود [و اجرا می‌گردد]؛

و به سبب تو و امامان از فرزندانم، به بندگانم [از زن و مرد] رحم می‌کنم.

* بشارت به ظهور قائم آل محمد ﷺ

خداوند، در پایان گفت‌وگوی گرم و صمیمی‌اش با بنده‌ی برگزیده‌اش در معراج، این بشارت بزرگ و شوراآفرین و شرف‌انگیز و شادی‌بخش را به آخرین پیامبرش می‌دهد و او و پیروانش را مسرور می‌سازد:

وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَ تَقْدِيسِي وَ تَهْلِيلِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي؛

وَ بِهِ أَطَهَّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أُورِثُهَا أَوْلِيَائِي؛

وَ بِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِي السُّفْلَى وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا؛

بِهِ أَحْيِي بِلَادِي وَ عِبَادِي بِعِلْمِي؛

وَ لَهُ أَظْهَرُ الْكُنُوزَ وَ الذَّخَائِرَ بِمَشِيَّتِي؛

وَ إِيَّاهُ أَظْهَرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ الضَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي؛

وَ أَمِدُّهُ بِمَلَائِكَتِي، لِتَوْيَّدِهِ عَلَى إِنْفَازِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي؛

ذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا وَ مَهْدِيٌّ عِبَادِي صِدْقًا.

و به وسیله‌ی قائم، [که از میان شما اهل بیت خواهد بود] زمینم را با تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجیدم، آباد می‌کنم؛
و به او، زمین را از دشمنان پاک می‌کنم و آن را به اولیایم به ارث می‌رسانم؛

و به او، کلمه‌ی [عقیده و شعار] کافران را فرودست می‌گردانم و کلمه‌ی [توحید] خویش را بلند می‌کنم؛

و به او، شهرها و بندگانم را با دانشم زنده می‌کنم؛

و برای او گنج‌ها و ذخائر را به خواست خویش، آشکار می‌سازم؛

و با اراده‌ی خود، تنها او را بر اسرار و پنهانی‌ها آگاه می‌کنم؛
و او را با فرشتگانم مدد می‌رسانم، تا آن فرشتگان، او را برای نافذ
کردن امر و آشکار ساختن دین من، تأیید کنند؛
اوست که به حق، ولی من و به راستی، مهدی بندگان من است.

* نمایاندن پیشینه و نژاد مهدی عجل الله فرجه

در نقل دیگر از احادیث معراجیه، ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
نقل می‌کند که خداوند در ضمن گفت و گو با آن حضرت، از جمله
فرمود:

... وَ أَعْطَيْتُكَ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ
ذُرِّيَّتِكَ، مِنَ الْبَكْرِ الْبُتُولِ؛ وَ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى
ابْنُ مَرْيَمَ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، أَنْجِي بِهِ
مِنَ الْهَلَكَةِ وَ أَهْدِي بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أُبْرِئُ بِهِ الْأَعْمَى وَ أَشْفِي بِهِ
الْمَرِيضَ.

... و من، به تو این کرامت را ارزانی داشتم که از صلب و نسل تو
یازده مهدی عجل الله فرجه خارج سازم که همگی آنان از فرزندان تو می‌باشند؛
و آخرین ایشان کسی است که عیسی بن مریم پشت سرش نماز
می‌خواند؛ زمین را از عدل و داد پر می‌کند، چنان که از ظلم و ستم
آکنده گشته است، به وسیله‌ی او [مردم را] از نابودی نجات می‌دهم
و به وسیله‌ی او از گمراهی هدایت می‌کنم و به اوست که کور مادرزاد
را بهبودی می‌بخشم و به اوست که مریض را شفا می‌دهم.

* برخی از رخ‌دادهای شوم در آستانه‌ی ظهور

فَقُلْتُ: إِلَهِي وَ سَيِّدِي، مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ:
 يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ كَثُرَ الْقُرَاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ
 وَ كَثُرَ الْقَتْلُ وَ قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَ الْخَوْنَةِ
 وَ كَثُرَ الشُّعْرَاءُ وَ اتَّخَذَ أُمَّتُكَ قُبُورَهُمْ مَسَاجِدَ وَ حُلِيَّتِ
 الْمَصَاحِفُ وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ وَ ظَهَرَ
 الْمُنْكَرُ وَ أَمَرَ أُمَّتُكَ بِهِ وَ نَهَى عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ
 بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ صَارَ الْأَمْرَاءُ كُفْرَةً وَ أَوْلِيَاؤُهُمْ فَجْرَةً وَ
 أَعْوَانُهُمْ ظَلَمَةً وَ ذُوو الرِّأْيِ مِنْهُمْ فَسَقَةٌ.^۱

رسول خدا ﷺ در ادامه فرمود: به خدا عرض کردم: ای خدا و ای
 سید من، آن چه فرمودی، چه زمانی رخ می‌دهد؟
 خداوند، وحی فرمود: آن رخ‌داد فرخنده زمانی خواهد شد که:
 دانش از میان می‌رود و نادانی فراگیر می‌گردد؛ قاریان قرآن فراوان
 می‌شوند و عاملان به آن کاهش می‌یابند؛ آدم‌کشی فراوان می‌شود؛
 فقیهان هادی کم می‌شوند و فقیهان گم‌راهی و خیانت‌پیشه فزونی
 می‌یابند؛ شاعران کثرت می‌یابند؛

امت تو گورهای خودشان را به عنوان مسجد بر می‌گیرند؛
 قرآن‌ها زینت داده می‌شوند و مساجد زراندد و زیبا می‌گردند؛
 ستم و سیاهی و فساد فزونی می‌گیرد و زشتی آشکار می‌گردد؛
 امت توبه [انجام] منکر و زشتی فرمان می‌دهد و از معروف

نهی می‌کند؛

[در آمیزش جنسی] مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند؛
امیران کافر می‌شوند و اولیا و کارگزارانشان فاجر می‌گردند؛
یاوران فرمان‌روایان ستم‌پیشه می‌شوند و خردمندانشان فاسق
می‌گردند.

* برخی نشانه‌های آستانه‌ی ظهور

وَ عِنْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَةٌ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالشَّرْقِ وَ خَسْفٌ بِالمَغْرِبِ
وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ العَرَبِ. وَ خَرَابٌ البَصْرَةَ عَلَى يَدَيْ رَجُلٍ مِنْ
ذُرِّيَّتِكَ، يَتَّبِعُهُ الزُّنُوجُ. وَ خُرُوجٌ وَلَدٍ مِنْ وَلَدِ الحَسَنِ بْنِ
عَلِيِّ عليه السلام. وَ ظُهُورُ الدَّجَالِ؛ يَخْرُجُ بِالمَشْرِقِ مِنْ سِجِسْتَانَ. وَ
ظُهُورُ السُّفْيَانِيِّ.

فَقُلْتُ: إِلَهِي، وَ مَا يَكُونُ بَعْدِي مِنَ الفِتَنِ؟

فَأَوْحَى إِلَيَّ وَ أَخْبَرَنِي بِبِلَاءِ بَنِي أُمِّيَّةَ وَ فِتْنَةِ وَلَدِ عَمِّي وَ مَا هُوَ
كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ القِيَامَةِ. فَأَوْصَيْتُ بِذَلِكَ ابْنَ عَمِّي حِينَ هَبَطْتُ إِلَى
الأَرْضِ وَ أَدَيْتُ الرِّسَالَةَ.

فَلِلَّهِ الحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ كَمَا حَمَدَهُ النَّبِيُّونَ وَ كَمَا حَمَدَهُ كُلُّ شَيْءٍ
قَبْلِي وَ مَا هُوَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ القِيَامَةِ.

در آستانه‌ی ظهور [یا در دوران غیبت] امام زمان این حوادث رخ

می‌دهد:

□ سه خسف،^۱ واقع می‌شود: خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و خسفی در جزیره العرب.

□ و نیز خراب شدن بصره به دست مردی از فرزندان تو، مردی که زنگیان از او پیروی می‌کنند.

□ خروج فرزندی از فرزندان حسن بن علی علیه السلام.

□ ظهور دجال که از مشرق، از سجستان [سیستان] خروج می‌کند.

□ و ظهور سفیانی.

عرض کردم: خدایا، پس از من چه فتنه‌هایی رخ می‌دهد؟

خداوند به من وحی کرد و مرا به بلای بنی‌امیه و نیز فتنه‌ی فرزندان

عمویم [بنی‌عباس] و هر آن چه تا روز قیامت رخ می‌دهد، خبر داد.

من نیز هنگامی که به زمین فرود آمدم و رسالت خویش را رساندم،

تمامی آن آگاهی‌ها را به پسر عمویم [علی] وصیت کردم.

پس سپاس و ستایش خدای را بر آن [چه به من ارزانی داشت] همان

گونه که پیامبران خدای را سپاس می‌گزارند و نیز همان‌سان که هر

چیزی پیش از من خدای را سپاس گزارده است و همان‌گونه که تمامی آن

چه خداوند آفریننده‌ی اوست، تا روز قیامت حمد خدا را به جای

می‌آورند.

۱. خسف یعنی فرورفتن در زمین، چنان که در باره‌ی قارون می‌خوانیم: فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ

الْأَرْضِ: آن‌گاه قارون را با خانه‌اش در زمین فروبردیم.

روایت رسول خدا ﷺ

* زدایش ظلم و گسترش دادگری

در داستان ملاقات و گفت‌وگوی رسول خدا ﷺ با جندل، یکی از دانشمندان یهودی خیبر، پس از معرفی حضرت مهدی ﷺ و اذعان و اعتراف جندل به این که آن حضرت و اوصیای گرامی اش در تورات یاد شده‌اند، چنان می‌شود که در پی می‌آید:

... ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾
فَقَالَ جَنْدَلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا خَوْفُهُمْ؟

قَالَ: يَا جَنْدَلُ، فِي زَمَنِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ جَبَّارٌ يَعْتَرِيهِ وَ يُؤْذِيهِ؛
فَإِذَا عَجَّلَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا

مُلِّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۱

... سپس رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: ﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده داده است که:

حتماً آنان را در زمین، خلیفه و جانشین قرار می‌دهد، همان گونه که درباره‌ی پیشینیان چنین کرده است؛

و بی‌تردید دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، مکنّت و قدرت می‌بخشد؛

و به یقین، ترس و هراس ایشان را به امنیت و آسودگی تبدیل می‌کند؛

(در آن روزگار، آن بندگان صالح) فقط مرا می‌پرستند و هیچ چیز را همتای من برنمی‌گیرند؛

از آن پس، اگر کسی کافر گردد، به راستی که فاسق و نافرمان خواهد بود.﴾

جندل پرسید: ای رسول خدا، ترس و هراس آنان چیست؟

آن حضرت فرمود: ای جندل، در زمان هر یک از امامان، ستمگری

خواهد بود که به آن امام همام آسیب می‌رساند و او را می‌آزارد؛

پس هنگامی که خداوند خروج قائم ما را شتاب می‌بخشد، زمین را از

عدل و داد پر می‌کند، چنان‌که از ستم و بی‌داد پر شده است.

روایت علی مرتضیٰ علیه السلام

* بازگشت دنیا به دینداران

راوی این روایت می‌گوید: همانا علی علیه السلام فرمود:

إِنِّي أُقْسِمُ بِالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ وَ أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى
مُحَمَّدٍ صِدْقًا وَ عَدْلًا، لَتَعْطِفَنَّ عَلَيْكُمْ هَذِهِ الْآيَةُ:
﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
فِي الْأَرْضِ﴾ الْآيَةُ.^۱

من به خداوندی که دانه را شکافت و روح را آفرید و کتاب [قرآن] را
به راستی و دادگری بر محمد نازل فرمود، سوگند می‌خورم که
بی‌تردید [وعددهی] این آیه به شما [شیعیان] باز می‌گردد:
﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام
داده‌اند، وعده داده است که بی‌تردید ایشان را در زمین، خلیفه و
جانشین می‌گرداند.﴾

* دشواری‌های راه و آزمون امت

تحقق بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آرمان همه‌ی ادیان آسمانی، با دشواری‌ها و آزمون‌های بسی بزرگ، همراه است که در بخشی از یک گفت‌وگوی بلند حضرت امیرالمؤمنین با حذیفه بن یمان، یکی از اصحاب رسول خدا و یاران صاحب سرّ علی مرتضی، آمده است:

الف: غوطه‌وری امت در حیرت و هلاکت

فَوَالَّذِي نَفْسٌ عَلَيَّ بِيَدِهِ لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بَعْدَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ ابْنِي،
فِي ضَلَالٍ وَظُلْمَةٍ وَعِسْفَةٍ [عَسْفٍ] وَجَوْرِ وَاخْتِلَافٍ فِي الدِّينِ.
وَ تَغْيِيرٍ وَ تَبْدِيلٍ لِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَ إِظْهَارِ الْبِدْعِ وَ إِبْطَالِ
السُّنَنِ وَ اخْتِلَافٍ وَ قِيَاسِ مُشْتَبِهَاتٍ وَ تَرْكِ مُحْكَمَاتٍ،
حَتَّى تَنْسَلِخَ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ تَدْخُلَ فِي الْعَمَى وَ التَّلَدُّدِ وَ
التَّسَكُّعِ...

فَلَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ جَبَّارِينَ يَتَكَالَبُونَ عَلَى حَرَامِ الدُّنْيَا،
مُنْغَمِسِينَ فِي بَحَارِ الْهَلَكَاتِ فِي أَوْدِيَةِ الدَّمَاءِ.

سوگند به خداوندی که جان علی به دست اوست، این امت پس از کشتن پسر حسین:

پیوسته در گمراهی و ستم و کژراهه و جور و اختلاف در دین، به سر می‌برند.

آنان به تبدیل و تغییر آنچه را که خداوند در کتابش نازل فرموده است، دست می‌یازند و بدعت‌ها را آشکار می‌سازند و سنت‌ها را از میان برمی‌دارند.

همیشه با یک‌دیگر اختلاف خواهند داشت و دین را با مشتبهات

قیاس می‌کنند و محکّمات آیین را وامی‌نهند.
کار به جایی می‌رسد که امت، به کلی از اسلام جدا می‌شود و به وادی
کوری و سرگستگی و حیرت و پای فشاری در گمراهی و سرکشی،
می‌غلطد.
پس پیوسته این امت، ستمگرانی‌اند که به خاطر مردار حرام دنیا،
سگانه به ستیز با یک‌دیگر برمی‌خیزند.
در دریاهاى هلاکت‌ها و نابودى‌ها فرو می‌روند و در گودال‌های
خون، غرق می‌شوند.

ب: حیرت و صعوبت در غیبت حجت

حَتَّى إِذَا غَابَ الْمُتَغَيِّبُ مِنْ وُلْدِي عَنْ عُيُونِ النَّاسِ؛
وَ مَا جَ النَّاسُ بِفَقْدِهِ أَوْ بِقَتْلِهِ أَوْ بِمَوْتِهِ؛
أُطْلِعَتِ الْفِتْنَةُ وَ نَزَلَتِ الْبَلِيَّةُ وَ أُتِيحَتِ الْعَصَبِيَّةُ؛
وَ غَلَا النَّاسُ فِي دِينِهِمْ وَ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ؛
أَنَّ الْحُجَّةَ ذَاهِبَةً وَ الْإِمَامَةَ بَاطِلَةً؛
وَ يَحُجُّ حَبِيبُ النَّاسِ فِي تِلْكَ السَّنَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ وَ نَوَاصِبِهِمْ؛
لِلتَّمَكُّنِ وَ التَّجَسُّسِ عَنْ خَلْفِ الْخَلْفِ؛
فَلَا يُرَى لَهُ أَثَرٌ وَ لَا يُعْرَفُ لَهُ خَلْفٌ.

تا آن‌که غائب شده‌ی از فرزندان من از دیدگان مردم، نهان می‌شود؛
و مردم سخت به جوش و خروش می‌افتند، بدان سبب که
می‌پندارند:

- او در دسترس نیست،

- او کشته شده است،

... یا مرده و از دنیا رفته است؛
 در آن هنگام فتنه رخ می‌نماید و بلا فرود می‌آید و عصبیت [جاهلی]
 مهیا و مقدر و آشکار می‌شود؛
 و مردم در دین‌شان تندروی می‌کنند و همگی بر این باور، هم‌آهنگ
 و هم‌داستان می‌شوند که:
 بی‌تردید حجّت از میان رفته و امامت باطل شده است؛
 و مردمان، از شیعیان علی و نیز از دشمنان ایشان، در آن سال به حج
 می‌روند؛
 از آن رو که بر بازمانده و جانشین امامان پیشین دست یابند و به
 جست‌وجویش برخیزند؛
 اما از او هیچ نشانه‌ای دیده نمی‌شود و برایش هیچ جانشین و
 بازمانده‌ای شناخته نمی‌گردد.

ج: سرور و سعادت برای شیعیان حضرت حجّت

فَعِنْدَ ذَلِكَ سُبَّتْ شِيعَةُ عَلِيٍّ؛
 سَبَّهَا أَعْدَاؤُهَا وَ غَلَبَتْ عَلَيْهَا الْأَشْرَارُ وَ الْفُسَّاقُ بِأَحْتِجَاجِهَا؛
 حَتَّى إِذَا تَعَبَتِ الْأُمَّةُ وَ تَدَلَّهَتْ، أَكْثَرَتْ فِي قَوْلِهَا:
 إِنَّ الْحُجَّةَ هَالِكَةٌ وَ الْإِمَامَةَ بَاطِلَةٌ!
 فَو رَبِّ عَلِيٍّ إِنْ حُجَّتْهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ؛
 مَا شِئَتْ فِي طُرُقَاتِهَا؛
 دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا؛
 جَوَّالَةٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا!
 يَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ يُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ؛

يَرَى وَلَا يُرَى؛

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ وَالْوَعْدِ؛

وَنِدَاءِ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ:

ذَلِكَ يَوْمٌ سُرُورٍ وُلِدَ عَلِيٌّ وَشِيعَةٌ عَلِيٍّ عليه السلام!

پس در آن هنگامه‌ی حیرت و سرگشتگی، شیعیان علی علیه السلام ناسزا می‌شنوند؛

دشمنان‌شان ناسزایشان می‌گویند و اشرار و تبه‌کاران با حجتی که [بر
نبود امام] می‌آورند، بر آنان چیره می‌شوند؛

تا آن‌جا که امت به رنج می‌افتد و سخت سرگشته و حیرت‌زده
می‌شود، و این سخن را فراوان بر زبان می‌راند که:

به یقین، حجت نابود شد و امامت باطل گشت!

ولی به خدای علی سوگند، همانا حجت بر این امت برپاست؛
در کوچه‌هایش در آمد و شد است؛

در درون خانه‌ها و کاخ‌های این امت است؛

پیوسته در خاور و باختر زمین، در گردش است!

سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت آنان سلام می‌کند؛

او ایشان را می‌بیند، ولی آنان او را نمی‌بینند؛

[این غیبت و عدم دیدار رودررو] تا روز وقت و وعده؛

و برخاستن ندای منادی از آسمان، خواهد بود؛

در آن روز است که منادی ندا می‌دهد:

امروز روز سرور و شادمانی فرزندان و شیعیان علی است!

* سرآمد مرگ ابلیس

در داستان آدم و ابلیس خوانده‌ایم که: پس از سرپیچی ابلیس از فرمان خداوند در سجده بر آدم، خداوند او را از درگاه خویش راند و ابلیس در ازای سالیان درازی که خدای را عبادت کرده بود، درخواست مزد و پاداش کرد.

آن‌چه ابلیس به عنوان پاداش درخواست کرد، خود خواسته‌ای کاملاً شیطانی و سیاه بود. او درخواست کرد که خداوند تا روز رستاخیز بزرگ و برانگیخته شدن مردم، به او مهلت دهد. ابلیس این مهلت را برای آن می‌خواست که تا آن زمان، هم‌چنان به اغوای فرزندان آدم دست یازد. شدت دشمنی ابلیس با آدمی زاد از همین جا نیز آشکار می‌شود.

اما خداوند به ابلیس تا روز وقت معلوم مهلت داد.^۱ خداوند چنین فرمود تا آدم و فرزندان او در بوته‌ی امتحان الهی قرار گیرند و تمامی کسانی که قرار است فرمان‌بر شیطان باشند، شناخته شوند و مؤمنان راستین از منافقان چندچهره، نمایانده شوند و حجت بر مردمان تمام شود.

یکی از تاریک‌ترین و زشت‌ترین نمونه‌های سلطه‌ی ابلیس بر فرزندان آدم و اغوای و اضلال ایشان، همان است که در آستانه و پس از رحلت رسول خدا ﷺ رخ داد:

□ مگر جلوگیری از نوشتن وصیت پیامبر خدا ﷺ در بستر

۱. ﴿ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴾ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿ حجر (۱۵): ۳۸-۳۶، ص (۳۸): ۸۱-۷۹.

بخش دوم: خلافت و مکنت حضرت مهدی علیه السلام ◊ ۷۳

بیماری و بدتر از آن، متهم کردن آن حضرت به هذیان گویی، موجب نشد تا ابلیس از خوش حالی در پوست خویش نگنجد؟

□ مگر مخالفت آشکار بزرگان اصحاب، با فرمان پیامبر در پیوستن به لشکر اسامه بن زید، در راستای اطاعت از فرمان شیطان نبود؟

□ مگر رها کردن پیکر پاک پیامبر و عدم شرکت در مراسم تغسیل و تدفین آن حضرت، به منظور شرکت در شورای شوم غصب خلافت، نفاق پیروان شیطان را نشان نداد؟

□ مگر قصه‌ی پر غصه‌ی غصب خلافت و نطفه‌ی ناپاکی که زیر آن سایه بان سیاه بسته شد، حوادث شومی را رقم نزد؟ و نمونه‌ای تاریک و سیاه از یکه تازی ابلیس در میدان ضلالت امت نبود؟

□ مگر حمله کردن گروهی اوباش به سرکردگی بزرگانی از اصحاب، به خانه‌ی وحی و به زنجیر کشیدن شیر برای گرفتن بیعت اجباری و آتش زدن در خانه‌ی فاطمه، اغوای ابلیس نبود؟

□ مگر غصب فدک حضرت فاطمه و محروم کردن آن عزیز از حق خویش و نیز خانه نشین کردن حضرت علی علیه السلام و حتی توطئه برای قتل آن حضرت، خرسندی شیطان را بر نمی‌انگیخت؟

□ مگر فریاد خلیفه‌ی اول در اظهار عجز از اداره‌ی امور مسلمانان و نادانی او نسبت به مسائل دینی و ناآگاهی اش از نکته‌های قرآنی، نشان نمی‌داد که آن بی‌نوا بازیچه‌ی شیطان شده است؟

□ مگر بدعت‌ها و خشونت‌های خلیفه‌ی دوم و مخالفت های منفور او با سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، و بسیاری از اقدامات

خلاف او، القائنات مستقیم شیطان نبود؟

□ و سرانجام مگر خیانت‌های آشکار خلیفه‌ی سوم و باز گذاشتن دست بنی‌امیه‌ی پلید در چپاول اموال مسلمانان و بسترسازی برای سلطه‌ی سیاه‌آنان، لبخند شوم بر لبان شیطان نشانند؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از یادکردی غمناک از آن حوادث شوم، چنین می‌فرماید:

كُلُّ ذَلِكَ لَتِمَّةُ النَّظَرَةِ الَّتِي أُوجِبَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَدُوِّهِ إِبْلِيسَ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَ يَحَقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ يَقْتَرِبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ الَّذِي بَيَّنَّهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِقَوْلِهِ:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾

تمامی آن حوادث شوم از آن روی رخ دادند که مهلت خداوند به ابلیس پایان پذیرد، همان مهلتی که خداوند واجب فرموده بود تا تمام شود و به سر آید و سخن خداوند بر [حتمیت] عذاب کافران تحقق یابد و وعده‌ی حقی را که خداوند در کتابش آشکارا بیان فرموده است، نزدیک شود، همان که فرموده است:

﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین خلیفه می‌گرداند، چنان‌که پیشینیان ایشان را خلیفه کرده بود...﴾

روایت حضرت زین العابدین،

علی بن الحسین علیہ السلام

* بشارت به ظهور حتمی حضرت مهدی و گسترش دادگری

حضرت سجاد علیہ السلام این آیه را خواند و در پی آن، بیاناتی فرمود که آن

رامی آوریم:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ
الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا
يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾
هُمُ وَ اللَّهُ شَيْعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ!

يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛
الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِيهِ:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ؛
حَتَّى يَأْتِيَ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي، اسْمُهُ اسْمِي؛

يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.^۱

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین می‌گرداند، چنان‌که درباره‌ی پیشینیان چنین کرده است و بی‌تردید دینی را که برای آنان پسندیده است، مکنّت می‌بخشد و یقیناً ترس ایشان را به امنیت بدل می‌کند، فقط مرا می‌پرستند و هیچ چیز را همتای من بر نمی‌گیرند، از آن پس، اگر کسی کافر گردد، به راستی که فاسق خواهد بود. ﴿
به خدا سوگند، آنان [که حتماً در زمین به خلافت می‌رسند،] شیعیان ما اهل بیت‌اند!

خداوند این وعده را به دو دستِ مردی از ما به انجام می‌رساند و او همان مهدی این امت است؛

کسی که رسول خدا ﷺ درباره‌اش فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند؛

تا آن‌که مردی از عترت من که نامش نام من است، بیاید؛

زمین را از عدل و داد پر می‌کند، چنان‌که از ظلم و ستم پر شده است.

روایت حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

* پاسخی روشن به پرسشی مهم

عبدالله بن سنان می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:
﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾
قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَوَلَدِهِ عليهم السلام
﴿وَلَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾

قَالَ: عَنِّي بِهِ ظُهُورَ الْقَائِمِ عليه السلام.^۱

از حضرت صادق عليه السلام درباره‌ی این سخن خداوند که می فرماید:
«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند،

۱. تأویل الآيات الظاهرة: ۳۶۵ و همین مضمون از همین راوی: کافی: ۱: ۱۹۴ و نیز: غیبت

نعمانی: ۲۴۰؛ بحار الأنوار ۵۱: ۵۸.

وعده داده است که بی‌تردید آنان را در زمین خلیفه می‌گرداند، چنان‌که پیشینان را خلیفه گردانده است. ﴿ پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: [این بخش از آیه] درباره‌ی علی بن ابی طالب و امامان از فرزندان آن گرامی نازل شده است. دیگر بار درباره‌ی این سخن که می‌فرماید: ﴿و حتماً دینی را که برای آنان پسندیده است، برایشان مکنّت و دولت می‌بخشد و ترس آنان را به امنیت بدل می‌فرماید﴾ پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: از این سخن، خداوند، ظهور قائم علیه السلام را قصد فرموده است.^۱

* شب جمعه‌ی سرنوشت‌ساز

و دیگر بار در سخنی امیدبخش از حضرت صادق آل محمد علیهم السلام داستان جالبی را می‌شنویم:

إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ أَهْبَطَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا؛

فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ، نَصَبَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهم السلام مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ عِنْدَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ؛
فَيَضَعُونَ عَلَيْهَا وَ يَجْمَعُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ؛

فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم:

۱. در نقلی دیگر از حضرت صادق داریم که در تفسیر و تأویل آیه فرمود: الْقَائِمُ وَ أَصْحَابُهُ؛ منظور از آن مؤمنان که خداوند، آن وعده را درباره‌شان به انجام می‌رساند، قائم و یاران اویند. (غیبت نعمانی: ۲۴۰؛ بحار الأنوار ۵۱: ۵۸)

يَا رَبِّ، مِيعَادَكَ الَّذِي وَعَدْتَ فِي كِتَابِكَ وَ هُوَ هَذِهِ الْآيَةُ:
﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ
فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...﴾
وَ يَقُولُ الْمَلَائِكَةُ وَالنَّبِيُّونَ مِثْلَ ذَلِكَ؛
ثُمَّ يَخِرُّ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سُجَّدًا، ثُمَّ يَقُولُونَ:
يَا رَبِّ اغْضَبْ، فَإِنَّهُ قَدْ هَتَكَ حَرِيمَكَ وَ قَتَلَ أَصْفِيَاؤَكَ وَ أَذَلَّ
عِبَادَكَ الصَّالِحُونَ؛

ف: ﴿يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ وَ ذَلِكَ وَقْتُ مَعْلُومٌ.^۱

هنگامی که شب جمعه فرامی‌رسد، خداوند تبارک و تعالی، فرشته‌ای را به آسمان دنیا فرو می‌فرستد؛

چون سپیده‌ی صبح طلوع می‌کند برای محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام نزد بیت المعمور منبرهایی از نور نصب می‌کند؛ آن گرامیان بر فراز آن منبرها می‌شوند و خداوند، فرشتگان و پیامبران و مؤمنان را برای [شنیدن سخنان] آنان جمع می‌فرماید و درهای آسمان را می‌گشاید؛

هنگامی که خورشید به وسط آسمان می‌رسد، رسول خدا می‌گوید: پروردگارا، وعده‌ات را که در کتاب خویش داده‌ای [به انجام برسان]، همان که فرموده‌ای:

﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که بی‌تردید ایشان را در زمین خلیفه می‌گرداند، چنان‌که پیشینان را خلیفه گردانید...﴾

و فرشتگان و پیامبران نیز همان را می‌گویند که رسول خدا گفت؛
سپس محمد و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام به سجده می‌افتند، و
می‌گویند:

ای خداوند، غضب فرما، همانا که حریم تو شکسته شد و برگزیدگان
کشته شدند و بندگان صالحت خوار و خفیف گشتند؛
پس [در پی این دعا و درخواست] خداوند آن‌چه را که می‌خواهد،
انجام می‌دهد و آن همان وقت معلوم است.

روایت حضرت امام جواد علیه السلام

* تأکید بر حتمیت قیام قائم و بدا ناپذیر بودن آن

این ماجرا را داود بن ابی القاسم نقل می‌کند:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الرِّضَا عليه السلام؛ فَجَرَى ذِكْرُ
السُّفْيَانِيِّ وَ مَا جَاءَ فِي الرَّوَايَةِ مِنْ أَنَّ أَمْرَهُ مِنَ الْمَحْتُومِ؛
فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: هَلْ يَبْدُو لِلَّهِ فِي الْمَحْتُومِ؟
قَالَ: نَعَمْ. قُلْنَا لَهُ: فَتَخَافُ أَنْ يَبْدُو لِلَّهِ فِي الْقَائِمِ؟
قَالَ: الْقَائِمُ مِنَ الْمِيعَادِ.^۱

ما نزد حضرت جواد علیه السلام بودیم؛ سخن از سفیانی به میان آمد و این که در روایت آمده است که امر خروج او از امور محتوم و حتمی است؛ من به حضرت جواد علیه السلام عرض کردم: آیا برای خدا در امر حتمی بدا هست؟

امام علیه السلام فرمود: آری. [از شنیدن این سخن، حاضران نیز به شگفت

۱. غیبت نعمانی: ۲۷۶؛ بحار الأنوار ۵۲: ۲۹۷.

آمدند.] به آن حضرت عرض کردیم: از آن می‌ترسیم که خداوند در

[خروج] قائم علیه السلام نیز بدا کند!؟

امام علیه السلام فرمود: [خروج] قائم از وعده‌های خداست [و در آن، دیگر

بدا نخواهد بود].^۱

از این بیان چنان مستفاد است که حتی اگر خروج سفیانی که از نشانه‌های حتمی ظهور است، واقع نشود، اصل ظهور و قیام حضرت حجت علیه السلام به هیچ روی بدا پذیر نیست. سبب این امر، آن است که قیام حضرت قائم آل محمد علیه السلام وعده‌ی خداست و پیش‌تر دانسته‌ایم که خداوند خلف وعده نمی‌فرماید.

آری، خروج حضرت صاحب الزمان، جز به اراده و خواست خداوندی، منوط و وابسته به هیچ چیز دیگری نیست. البته بسترسازی برای گسترش معرفت مهدوی و دعا برای تعجیل فرج و رسیدگی شیعیان به یک‌دیگر و هم‌دلی و هم‌آهنگی در راستای انتظار درست امام حقی، از اموری است که به آن سفارش شده‌ایم و روشن است که در تعجیل فرج، مؤثر است.

درودها و درخواستها

* امید به تحقق وعده‌ی خدا

ایمان استوار به وعده‌ی خداوندی در خلافت امامان علیهم‌السلام در زمین و از میان رفتن هراس ایشان، در اعمال و رفتار پیشوایان دین متجلی می‌شده تا به این وسیله نور امید در دل‌ها پرتوافکن شود و شیعیان از دل و درون، برفرج حضرت قائم آل محمد علیه‌السلام دعا کنند.

در این بخش، نخست از شیوه‌ی خداپسند امام صادق علیه‌السلام در مواجهه با مشکلات یاد می‌کنیم و سپس دعاهایی را که بر انجام وعده‌ی خدا در ظهور امام زمان بشارت داده‌اند، می‌آوریم.
راوی این روایت می‌گوید:

أَنَّهُ لَمَّا طَلَبَ الْمَنْصُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَوَضَّأَ وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ
سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ قَالَ:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَعَدْتَنَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم وَ وَعَدُّكَ الْحَقُّ؛
أَنَّكَ تُبَدِّلُنَا مِنْ بَعْدِ خَوْفِنَا أَمْنًا؛

اللَّهُمَّ فَانْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ وَعَدُّ اللَّهِ لَكُمْ؟
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ
عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ﴾ الْآيَةَ.

هنگامی که منصور دوانیقی، حضرت صادق عليه السلام را طلبید، آن حضرت وضو ساخت و دو رکعت نماز گزارد و سجده‌ی شکر به جای آورد و عرض کرد:

خدایا، همانا تو با زبان پیامبرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ما وعده داده‌ای و وعده‌ی تو حق است؛

وعده داده‌ای که بی‌تردید ترس ما را به امنیت بدل می‌فرمایی؛ خدایا، آن چه را که به ما وعده داده‌ای به انجام برسان، به یقین، تو ای خداوند، خلف وعده نمی‌کنی.

راوی می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: آقای من، وعده‌ی خدا به شما کجاست؟

امام فرمود: این سخن خداوند که می‌فرماید: ﴿خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که به یقین، آنان را خلیفه می‌گرداند﴾ تا آخر آیه.

* تجلی امید در دعای روز عاشورا

در دنباله‌ی دعایی که در مطلع این بخش از حضرت صادق عليه السلام آوردیم، چنین درخواست زیبا و ژرفی شده است:

اللَّهُمَّ وَضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِثْرَةِ نَبِيِّكَ؛
الْعِثْرَةَ الضَّائِعَةَ الْخَائِفَةَ الْمُسْتَذَلَّةَ؛
بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ.

وَ أَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُمْ؛
وَ اكْشِفِ الْبَلَاءَ وَ اللَّأْوَاءَ وَ حَنَادِسَ الْأَبَاطِيلِ وَ الْعَمَى عَنْهُمْ؛
وَ ثَبِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَ حِزْبِكَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ وَلَايَتِهِمْ وَ
نُصْرَتِهِمْ وَ مُوَالَاتِهِمْ؛

وَ أَعِنِّهِمْ وَ أَمْنَحُهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ؛
وَ اجْعَلْ لَهُمْ أَيَّامًا مَشْهُودَةً وَ أَوْقَاتًا مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً؛
يُوشِكُ فِيهَا فَرَجُهُمْ وَ تَوْجِبُ فِيهَا تَمَكِينَهُمْ وَ نَصْرَهُمْ؛
كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ
السَّحْقُ: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ
لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾

خدايا، صلوات و رحمت و برکات خویش را بر عترت پیامبرت، چندین
برابر بیفزای؛

همان عترتی که تباه شده‌اند، همان عترتی که ترسان‌اند، همان
عترتی که ذلیل و خوار شده‌اند؛

همان عترتی که بازمانده‌ی درخت پاک بارور پربرکت‌اند.

بارالها، کلمه‌ی آنان را بلند بگردان و حجت‌شان را پیروز فرما؛

و بلا و سختی و مشقت و تنگی و تاریکی و کوری را از آنان بزدای؛

الهی، دل‌های شیعیان آنان و حزب خود را بر اطاعت خویش و

ولایت و سرپرستی و نصرت و دوستی ایشان، استوار بدار؛

انان را بر آزاری که در راه تو می‌بینند، یاری فرما و به آنان صبر

عنایت کن؛

و ای خداوند، برای آنان ایامی خوش - که خواهند دید - و اوقاتی پسندیده‌ی مسعود - که فرا خواهد رسید - قرار بده؛

همان روزگار و ایامی که فرا رسیدن فرج آنان را نوید می‌دهد و موجب توانایی و تمکین و نصرت ایشان می‌شود؛

چنان که در کتابی که نازل فرموده‌ای برای اولیاییت ضمانت کرده‌ای و چنین گفته‌ای، گفتاری که حق و راست است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، وعده داده است که: حتماً آنان را در زمین، خلیفه و جانشین قرار می‌دهد، همان گونه که درباره‌ی پیشینیان چنین کرده است؛

و بی‌تردید دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، مکتب و قدرت می‌بخشد؛

و به یقین، ترس و هراس ایشان را به امنیت و آسودگی تبدیل می‌کند؛

فقط مرا می‌پرستند و هیچ چیز را همتای من بر نمی‌گیرند؛

از آن پس، اگر کسی کافر گردد، به راستی که فاسق و نافرمان خواهد بود.»

* دعا و درخواست حضرت حجت

جناب حکیمه خاتون، عمه‌ی گرامی حضرت عسکری علیه السلام در نقل داستان شگفت‌انگیز تولد حضرت حجت علیه السلام، از جمله نقل می‌کند که چون آن حضرت به دنیا آمد:

وَ إِذَا أَنَا بِالصَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا عَلَى وَجْهِهِ، جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ، رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ:

بخش دوم: خلافت و مکنت حضرت مهدی عجل الله فرجه ۸۷

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَى أَنْ بَلَغَ إِلَى نَفْسِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَاتِّمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطْأَتِي وَامْلَأِ
الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.^۱

و در آن هنگام، کودک را دیدم که در حال سجده چهره بر زمین
ساییده، روی دو زانو نشسته، دو انگشت اشاره را به آسمان بلند کرده
و می‌گوید:

شهادت می‌دهم که معبودی به جز الله نیست، یگانه است و
شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که بی‌تردید جدم رسول خداست و
نیز پدرم امیرالمؤمنین است.

سپس امامان را یک به یک برشمرد تا به خودش رسید و گفت:
خدایا، وعده‌ی [ظهور] مرا به انجام برسان و امرم [فرجم] را تمام کن
و گام‌هایم را استوار بدار و زمین را به وسیله‌ی من، از عدل و داد
پر کن.

و سرانجام این‌که:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ:
سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقُلْتُ لَهُ: رَأَيْتَ صَاحِبَ
هَذَا الْأَمْرِ؟

قَالَ: نَعَمْ، وَ آخِرُ عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ هُوَ يَقُولُ:

۱. کمال‌الدین ۲: ۴۲۸؛ بحار الأنوار ۵۱: ۱۳.

اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.^۱

عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید:

از جناب محمد بن عثمان پرسیدم: آیا صاحب این امر را دیده‌ای؟
گفت: آری، آخرین باری که او را دیدم، نزد بیت الله الحرام بود که
می‌گفت:

خدایا، وعده‌ی [ظهور] مرا به انجام برسان.

و نیز حضرت محمد بن عثمان نقل می‌کند که در نوبتی دیگر:

وَ رَأَيْتُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَارِ وَ هُوَ
يَقُولُ:

اللَّهُمَّ اَنْتَقِمْ بِي مِنْ اَعْدَائِكَ.^۲

و آن حضرت را دیدم که به درِ بخشِ مستجار کعبه به پرده‌ی خانه‌ی
خدا آویخته است و چنین درخواست می‌کند:
خدایا به وسیله‌ی من، از دشمنانت انتقام بگیر.

* درود خدا بر موعود امت‌ها

در بخشی از زیارت حضرت صاحب الزمان، چنین می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ، الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى الْأُمَّمَ؛

أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَ يَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ؛

وَ يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مِلْتَّ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

۱. من لا يحضره الفقيه ۲: ۵۲۰؛ کمال الدین ۲: ۴۴۰؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۰؛ غیبت طوسی:

۲۵۱ و ۳۶۲.

۲. غیبت طوسی: ۲۵۱ و ۳۶۲؛ بحار الأنوار ۵۱: ۳۵۱ و نیز: کمال الدین ۲: ۴۴۰؛ بحار الأنوار

۳۰: ۵۲.

بخش دوم: خلافت و مکتب حضرت مهدی علیه السلام ❖ ۸۹

وَ أَنْ يُمَكِّنَ لَهُ وَ بِهِ وَ يُنْجِزَ وَعْدَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ، الَّذِينَ يَسْتَخْلِفُهُمْ
فِيهَا؛

حَتَّى يَعْبُدُوهُ بَعْدَ الْخَوْفِ آمِنِينَ وَ بَعْدَ الرَّجَاءِ مُتَيَقِّنِينَ، لَا
يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئاً.^۱

سلام بر مهدی، همو که خداوند، امت‌ها را وعده داده است تا: به وسیله‌ی او کلمه‌ها را جمع کند و پراکندگی‌ها را به یک‌پارچگی بدل کند؛

و زمین را از عدل و داد پر سازد، همان‌گونه که از ستم و جور پر شده است؛

و او را قدرت و مکتب بخشد و وعده‌ای را که به مؤمنان داده است، به انجام رساند، همان مؤمنانی که آنان را در زمین خلیفه می‌گرداند؛ تا آن‌که او را، پس از ترس و هراسی که داشتند، در امان و آسایش، و پس از امیدی که بدان دل بسته بودند، در باوری بالنده و بارور، عبادت کنند، [و] چیزی را هم‌تا و شریک او برنگیرند.

* درود بر وعده‌ی ضمانت شده و راست خدا

در زیارتی که حضرت صاحب‌الزمان، خود به شیعیان آموخته است تا آن را بخوانند و به آن وسیله از طریق ائمه به خدا و نیز به خود امامان علیهم‌السلام توجه کنند،^۲ از جمله چنین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ.

۱. بحار الأنوار ۹۸: ۲۶۴.

۲. إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِنِّيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى. (احتجاج ۲: ۴۹۲؛

بحار الأنوار ۵۳: ۱۷۱)

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ،
وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدُّ غَيْرِ مَكْذُوبٍ.^۱

سلام و درود بر تو ای امام زمان!

ای کسی که وعده‌ی خدایی، همان وعده‌ای که وقوع آن را خداوند،
خود ضمانت کرده است.

درود بر تو ای صاحب عصر!

ای پرچم بر افراشته‌ی هدایت و ای دانش ریزان و فراوان،

و ای فریادرس و ای رحمت فراگیر خدا، ای وعده‌ی راستین الهی.

* خدا و خلف وعده، هرگز!

یکی از دعا‌های بسیار عمیق و پرمحتوا، دعای شریف ندبه است. در

این دعای پرمغز، از جمله چنین می‌خوانیم:

وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا،

وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.^۲

پاک و منزّه است خداوند ما، وعده‌ی پروردگار ما بی‌تردید به انجام
می‌رسد،

و او هرگز در انجام وعده‌اش خلاف نمی‌فرماید، خدای ما بسی
گرامی و حکیم است.

۱. احتجاج ۲: ۴۹۲؛ بحار الأنوار ۵۳: ۱۷۱.

۲. بحار الأنوار ۹۹: ۱۰۶.

* دعا و درودی دیگر

بخشی از دعای افتتاح به نقل از حضرت ولی عصر علیه السلام نیز از همان وعده‌ی امیدبخش یاد می‌کند:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ؛
احْفَظْهُ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ!
اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ؛
اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ؛
مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ؛
أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا.
اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَ أَعِزِّزْ بِهِ وَ انصُرْهُ وَ انصُرْ بِهِ؛
وَ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا عَظِيمًا.
اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ مِلَّةَ نَبِيِّكَ؛

حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.^۱

خدایا، بر ولی امرت، قائم، درود فرست؛ همو که آرزوی آرزومندان است، همان عدلی که همه در انتظار اویند؛

او را با فرشتگان مقرب خویش بیوشان و با روح القدس تأیید فرما، ای پروردگار عالمیان!

خدایا، او را دعوت کننده به سوی کتابت و قائم به دینت قرار ده؛
او را در زمین خلیفه بگردان، چنان که کسانی را که پیش از او بودند،
خلیفه فرموده‌ای؛

دینی را که از آن خشنودی، برایش مکنّت و دولت و قدرت ببخش.
ای خداوند، او را عزیز بدار و دیگران را نیز به او عزیز بدار، و
یاری‌اش فرما و دیگران را نیز به او یاری کن؛
و او را نصرت ارزانی فرما، نصرتی فرازمند؛ و پیروزی و گشایشی بس
بزرگ برایش فراهم آور.
خدایا، به وسیله‌ی آن گرامی، دین خویش و ملت پیامبرت را پیروز
بگردان؛
تا آن‌که چنان شود که چیزی از حق به خاطر ترس و هراس از احدی
از آفریدگانت، مخفی و پنهان نماند.

نقاوه و نتیجه

تمامی مباحث مهم در این بخش، دربرگیرنده‌ی دو موضوع مهم است:

۱. یادکردی از نمادهای سیاهی و ستم و نیز فراگیری الحاد و بی‌دینی و فساد و تباهی در جهان، در دوران پیش از ظهور.
۲. زدودن آن ستم‌ها و سیاهی‌ها و گسترش عدل و داد در سرتاسر گیتی و نابودی کفر و بی‌دینی و فراگیری توحید و یکتاپرستی.

نمونه‌هایی از آن ستم‌ها و سیاهی‌ها، چنین‌اند:

شکسته شدن حریم و حرمت خدا، کشته شدن بندگان برگزیده‌ی خدا، خوار شدن بندگان صالح، فزونی دشمنان خدا و امامان، دوری از آموزه‌های کتاب و سنت، دوری از قرآن و عترت، انحراف از راه میانه و معتدل، روی‌گردانی از حق، پیروی از باطل، کشتن فرزندان پیامبر.

و روزگار چنان می‌شود که:

مردم، به خاطر دنیا، سگانه به ستیز با یک‌دیگر برمی‌خیزند؛

در دریای نابودی و هلاکت و گودال‌های خون، فرو می‌روند؛
فتنه‌ها رخ می‌نماید؛ بلاها نازل می‌شود؛ دوستان خدا فرودست
می‌شوند؛

امام، غائب می‌شود و مردم به فتنه‌ی غیبت دچار می‌شوند؛
و در زدایش ظلم و ستم و بی‌دینی، این رخ‌دادهای فرخنده را شاهد
خواهیم بود:

زمین از لوٹ و جود کافران و دشمنان خدا پاک می‌شود. اولیای خدا
وارثان زمین می‌شوند.

کافران، فرودست و موحدان، فرادست می‌شوند.
سرزمین‌ها و بندگان خدا با دانش الهی و آسمانی زنده می‌شوند.
ذخائر زمین و گنجینه‌های آن، آشکار می‌شود.
اسرار و ضمائر، به اراده‌ی خداوندی برای امام زمان رخ می‌نماید.
خداوند با فرشتگان به آن حضرت مدد می‌رساند.
امر خدا نافذ و دینش آشکار می‌گردد.
ظلم، زدوده و دادگری، فراگیر می‌شود.
دنیا به دین‌داران باز می‌گردد.
مهلت ابلیس به پایان می‌رسد.
روز سرور شیعه‌ی علی فرامی‌رسد.
حق و اهل آن یاری می‌شوند.
باطل و اهلش کوبیده می‌شوند.

اینک شما باید بتوانید:

۱. بخش مربوط به بشارت به ظهور قائم آل محمد را در روایت معراج، به خوبی بخوانیم و معنا کنیم و مضامینش را به خاطر بسپاریم.
۲. با خواندن و معنا کردن بیانات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به حذیفة بن یمان، نکات مهم و برجسته‌ی آن را برشماریم.
۳. مبتنی بر فرمایش حضرت علی علیه السلام، سرانجام سیاه و شوم ابلیس لعین را بدانیم و سبب تلاش ابلیس در ناامید کردن مردم برای ظهور امام زمان را بیان کنیم.
۴. روایت حضرت زین‌العابدین علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مبنی بر معرفی و حتمیت ظهور امام زمان، از حفظ بخوانیم و معنا کنیم.
۵. داستان شیرین شب جمعه‌ی سرنوشت‌ساز را بیان کنیم.
۶. حداقل یکی از دعا‌های مربوط به درخواست تحقق وعده‌ی الهی در ظهور امام زمان علیه السلام را از حفظ، بخوانیم.

بخش سوم

فراگیری اسلام

مطلع

دین اسلام ویژگی‌هایی دارد که برخی از آن‌ها را
برمی‌شماریم:

● اسلام، دین خداست. خداوند به پیامبر
می‌فرماید:

﴿وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾^۱

﴿و می‌بینی که مردم دسته دسته به دین خدا درمی‌آیند.﴾
● اسلام، دین حق است. خداوند در قرآن،
چنین بشارتی به مسلمانان می‌دهد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲

۱. نصر (۱۱۰): ۲. در دو جای دیگر قرآن، این تعبیر به کار رفته است: آل عمران (۳): ۸۳ و نور

(۲۴): ۲.

۲. توبه (۹): ۳۳، صف (۶۱): ۹. تعبیر «دین حق» در دو جای دیگر نیز به کار رفته است: فتح

(۴۸): ۲۸ و توبه (۹): ۲۹.

﴿او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن‌که آن دین را بر تمامی ادیان پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید﴾

● اسلام، آیینی استوار و پایدار است. این ویژگی هم در قرآن چنین آمده است:

﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا
مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱

﴿[ای پیامبر] بگو: همانا پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است. دینی استوار، دین ابراهیم حنیف، و ابراهیم از مشرکان نبود﴾

● اسلام، دین خالص خداست. یعنی دین توحید و یکتاپرستی است و از شرک و ریا به دور است. قرآن در وصف اسلام به این صفت، چنین می‌فرماید:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾^۲

﴿آگاه باشید، دین خالص و پاک، از آن خداست﴾
به دیگر آیین‌ها هم، چه آیین‌های حق و چه آیین‌های باطل، لفظ دین اطلاق می‌شود؛ به این ترتیب، کافران هم دین دارند. چنان‌که در سوره‌ی کافرون می‌خوانیم:

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ﴾^۳

۱. انعام (۶): ۱۶۱.

۲. زمر (۳۹): ۳.

۳. کافرون (۱۰۹): ۶. در جای دیگر قرآن، چنین می‌خوانیم: ﴿وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ

«دین شما برای خودتان و دین من برای خودم.»
اما دین به معنای آیین یکتاپرستی، که حق و
آسمانی و الهی است، فقط اسلام است. آیه‌ی
مورد بحث، همین را می‌فرماید.
اصل اسلام هم همان تسلیم شدن در برابر
خداوند است. حضرت صادق علیه السلام در این باره
چنین می‌فرماید:

... وَاعْلَمُوا أَنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّسْلِيمَ هُوَ
الْإِسْلَامُ. فَمَنْ سَلَّمَ فَقَدْ أَسْلَمَ وَ مَنْ لَمْ يُسَلِّمْ فَلَا
إِسْلَامَ لَهُ.^۱

... و بدانید که بی‌تردید اسلام همان تسلیم شدن [در
برابر حق و خدا] و تسلیم هم همان اسلام است. پس هر
کس که تسلیم [فرمان خدا] شد، اسلام آورده است و هر
کس هم تسلیم نشد، هیچ اسلامی برایش نیست.
خداوند از همان آغاز، نام دینی را که حضرت
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را برای آوردن آن برانگیخت،
به طور ویژه، «اسلام» صلی الله علیه و آله نامید.

از آن پس، این کلمه‌ی نامی، فقط درباره‌ی کسانی
به کار می‌رود که پیرو رسول گرامی اسلام و
قرآن عزیزند، از این رو پیروان دیگر ادیان قبل از

﴿مُوسَىٰ وَ لِيَذْغُ رَبُّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ﴾: فرعون گفت: مرا
وانهید تا موسی را بکشم و [برای نجات خویش از کشته شدن] باید پروردگارش را [به یاری]
بخواند. همانا من می‌ترسم که دین شما را دگرگونه سازد یا در این سرزمین، فساد و تباهی به پا
کند. ﴿غافر (۴۰): ۲۶.

اسلام را هرچند آن‌ها نیز خود را تسلیم در برابر خدا می‌دانند، مسلمان نمی‌نامند. در صورتی آنان به این نام، نامور می‌گردند که به محمد مصطفی ایمان بیاورند و آیین ابراهیمی او را گردن نهند. دین اسلام از چنان جای‌گاه بلندی برخوردار است که به وصف در نمی‌آید. برخی از بیانات شگفت‌انگیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف اسلام، ما را تا اندازه‌ای با اسلام آشنا می‌کند. آن حضرت پس از بیان بعضی از آثار و نشانه‌های تقوی، در بیان برخی از ویژگی‌های اسلام، از جمله چنین می‌فرماید:

... ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ وَ اصْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ وَ اصْفَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ وَ اَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ.

أَذَلَّ الْأَدْيَانَ بِعِزَّتِهِ وَ وَضَعَ الْمِلَلَ بِرَفْعِهِ وَ أَهَانَ أَعْدَاءَهُ بِكِرَامَتِهِ وَ خَذَلَ مُحَادِّبِهِ بِنَصْرِهِ وَ هَدَمَ أَرْكَانَ الضَّلَالَةِ بِرُكْنِهِ وَ سَقَى مَنْ عَطِشَ مِنْ حَيَاضِهِ وَ أَتَقَّقَ الْحَيَاضَ بِمَوَاتِحِهِ...

... سپس این اسلام، دین خداست که این ویژگی‌ها را دارد:

- * خدا آن را خالص برای خویش برگزیده است.
- * آن را با دیده‌ی عنایت پرورید و بهترین بندگان را برای [ابلاغ آن] برگزید.
- * ستون‌های اسلام را بر اساس محبت خویش برپای

داشت.

* با عزت بخشیدن به اسلام و فرازمندی آن، دین‌های دیگر را خوار و خفیف کرد.

* با بالا بردن اسلام و سرفرازی آن، ملت‌ها را فرودست قرار داد.

* با گرمی‌داشت اسلام، دشمنانش را حقیر و کوچک شمرد.

* با یاری آن، مخالفان سرسخت را وانهاد و از یاری آنان چشم پوشید.

* با استوار داشتن ستون‌های اسلام، بنیادهای گمراهی را نابود کرد.

* تشنگان [هدایت] را از حوض‌های پر از آب [دانش و هدایت] سیراب فرمود.

* آن حوض‌ها [ی دانش و هدایت] را به وسیله‌ی امامان و پیشوایان دین که از چاه‌ها [ی دانش دین] آب برمی‌کشند، پر کرد...

حضرت امیرالمؤمنین پس از بیان اوصاف دیگری از دین اسلام، در پایان، چنین سفارش می‌فرماید:

فَشَرَّفُوهُ وَ اتَّبِعُوهُ وَ ادُّوا إِلَيْهِ حَقَّهُ وَ ضَعُوهُ مَوَاضِعَهُ^۱.

پس اسلام را شریف و بزرگ بشمارید و از آن پیروی کنید و حقش را ادا کنید و در جای‌گاه‌های شایسته‌اش، قرار دهید.

در ظهیر قائم آل محمد ﷺ، دین اسلام در سرتاسر گیتی فراگیر می‌گردد.

بهترین بهره و آموزه را از این بخش، آن می‌دانیم که: به این فرمایش حضرت علی علیه السلام گوش جان بسپاریم که فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ، دِينَكُمْ دِينَكُمْ! تَمَسَّكُوا بِهِ؛ لَا يُزِيلُكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ، لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ، لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ وَالْحَسَنَةَ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ.^۱

هان ای مردم، دینتان، دینتان [را بپایید]! سخت به آن چنگ بزنید؛ مراقب باشید کسی شما را از آن بازنگرداند، زیرا بدی [و گناه] در آن [دین‌داری] بهتر است از خوبی [و نیکی] در غیر آن، زیرا بدی در حال دین‌داری آمرزیده می‌شود و نیکی و خوبی در غیر دین‌داری پذیرفته نمی‌شود.

* خدای را بر دینی که داریم و بر آن ایم، سپاس بگوییم.

* در پاسداری از آن دین، سخت بکوشیم و آن را بپاییم.

* از خدای منان بخواهیم ما را در پایداری بر آن دین، تا قیام حضرت صاحب الزمان، استوار بدارد.

دین پیروز

چنان که گفتیم، اسلام، آیین برگزیده و آخرین دین خداست. پس از اسلام، دیگر دینی نخواهد آمد و در پی قیام حضرت قائم و فراگیری اسلام در سرتاسر گیتی، حادثه‌ی رجعت رخ می‌دهد و سپس رستاخیز بزرگ، که پایان جهان کنونی است، واقع می‌شود.

در آیه‌ی قبلی دانستیم که خداوند دینی را که از آن راضی است، مکنت می‌بخشد و قدرت می‌دهد و اینک می‌افزاییم که سرنوشت و سرانجام این دین، همان است که در آیه‌ی پیشین آوردیم و در این آیه‌ی شریفه نیز آمده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱

﴿او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.﴾

در آیه‌ای دیگر چنین آمده است:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۱

«او کسی است که رسولش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر تمامی ادیان پیروز گرداند و البته گواهی خدا کفایت می‌کند.»
اشاره‌ی پایانی در هر دو آیه، جالب و مهم است:
* ناخرسندی مشرکان از پیروزی و فراگیری اسلام
* شهادت خدا بر وقوع این وعده که ناظر بر حتمیت و قطعیت آن است.

روایاتی که از حضرات معصومین علیهم‌السلام درباره‌ی این آیه‌ی شریفه نقل می‌کنیم، بیانگر بشارتی عظیم برای امت اسلام است:

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

* فراگیری توحید

یکی از مهم ترین و اصلی ترین دست آوردهای قیام حضرت مهدی علیه السلام، همان است که در این فرمایش امیرالمؤمنین آمده است:

عَنْ عَبَّادَةَ بْنِ رَبِيعٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ:
﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
كُلِّهِ﴾ الْآيَةَ.

أَظْهَرَ ذَلِكَ بَعْدُ؟ كَلَّا!

وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، بُكْرَةً وَ عَشِيًّا.^۱

از عبادة بن ربیع نقل است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنید که می فرمود:

﴿او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر

۱. تأویل الآيات: ۶۶۳؛ بحار الأنوار ۵۱: ۶۰.

تمامی ادیان پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید. ﴿
 آیا این وعده‌ی خدا آشکار شده است؟ هرگز!
 سپس دیگر بار افزود: سوگند به کسی که جانم به دست اوست،
 [زمانی این آیه راست می‌آید که] هیچ قریه‌ای نماند جز آن که شب و
 روز در آن، ندا به شهادت لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
 برخیزد.

آن‌گاه امیرالمؤمنین علیه السلام، خود فرمود:
 آری، در آن زمان است که این آیه‌ی شریفه کاملاً جلوه‌گر می‌گردد و
 در همین دنیا هم ظهور و بروز می‌یابد:

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ.

و هرکس به جز اسلام دین دیگری را بازجوید، هرگز از او نمی‌پذیرند
 و همو در آخرت از زیان‌کاران است.

و همان می‌شود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

فَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا: تَتَحَقَّقُ شِقْوَتُهُ وَ تَنْفَصِمُ عُرْوَتُهُ وَ
 تَعْظُمُ كِبَوْتُهُ وَ يَكُنْ مَابَهُ إِلَى الْحُزْنِ الطَّوِيلِ وَ الْعَذَابِ الْوَبِيلِ.

پس [به این ترتیب] هرکس به جز اسلام دینی را بجوید:
 تیره بختی‌اش تحقق یافته و دستگیره‌اش گسسته و سقوطش عظیم
 می‌گردد و سرانجام و بازگشتش به اندوهی طولانی و عذابی سخت
 [دردناک] خواهد بود.

حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام

* زنده شدن زمین مرده

پیش از نقل روایت امام حسین علیه السلام، یادآوری می‌کنیم که در آموزه‌های قرآنی و تفاسیر مبتنی بر بیانات ائمه علیهم السلام، از مردن زمین، افزون بر معنای ظاهری که خشکیدن گیاهان و درختان است، به دو گونه‌ی دیگر یاد شده است:

* مرگ زمین یعنی کفر و بی‌دینی اهل آن، که در این معنا، کافران به مردگان می‌مانند.

این معنا از این آیه مستفاد است:

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱

﴿آگاه باشید که بی‌تردید خداوند زمین را پس از مردنش زنده می‌کند. هرآینه آیات خویش را برای شما روشن کرده‌ایم، باشد که بیندیشید.﴾

حضرت باقر در این باره فرموده است:

يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ يَعْنِي بِمَوْتِهَا، كُفْرَ أَهْلِهَا وَ
الْكَافِرِ مَيِّتٌ.^۱

خداوند، زمین مرده را به وسیله‌ی حضرت قائم زنده می‌کند. منظور از مردن زمین، همان کفر اهل زمین است و کافر هم همان میّت است.

✽ مرگ زمین یعنی ستمی که آن را فراگرفته است، و زنده

شدن زمین و اهل آن یعنی دادگری حضرت قائم عليه السلام.

در دنباله‌ی نقل دیگری از همین حدیث آمده است:

فِيُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَ يَحْيَا أَهْلُهَا بَعْدَ
مَوْتِهِمْ.^۲

پس خداوند زمین را به وسیله‌ی قائم زنده می‌کند و آن جناب در زمین دادگری می‌ورزد و زمین و اهلیش، پس از آن که [بر اثر ستم] مرده‌اند، با آن دادگری زنده می‌شوند.

این معنا به صورت روشن‌تری در این روایت آمده است:

عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:
﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾
قَالَ: الْعَدْلَ بَعْدَ الْجَوْرِ.^۳

از محمد حلبی نقل است که از حضرت صادق راجع به همین آیه

۱. کمال الدین ۲: ۶۶۸؛ بحار الأنوار ۵۱: ۵۴ و نیز: تأویل الآیات: ۶۳۸؛ بحار الأنوار ۲۴:

۳۲۵.

۲. تأویل الآیات: ۶۳۸؛ بحار الأنوار ۲۴: ۳۲۵.

۳. کافی ۸: ۲۶۷؛ بحار الأنوار ۷۲: ۳۵۳.

پرسید و آن حضرت فرمود: منظور [از زنده شدن زمین پس از مرگش]، برقراری عدالت پس از ستمگری است.
از جناب ابن عباس هم نقل است که همین آیه‌ی مبارکه را چنین تفسیر کرد:

يُصْلِحُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَوْتِهَا، يَعْنِي بَعْدَ جَوْرِ
أَهْلِ مَمْلَكَتِهَا...^۱

خداوند زمین را پس از مردنش، به وسیله‌ی قائم آل محمد سامان می‌بخشد و اصلاح می‌فرماید. یعنی پس از جور و ستمی که اهل مملکت زمین بر یک‌دیگر روا داشته‌اند...

اینک پس از این مقدمه، به سخنان امام حسین علیه السلام گوش دل می‌سپاریم:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام
وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؛
يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.
لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ؛
فَيُؤْذَوْنَ وَ يُقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»
أَمَا، إِنَّ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ،
بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله وسلامته عليه.^۲

۱. غیبت طوسی: ۱۷۳؛ بحار الأنوار ۵۱: ۵۳ و ۶۳.

۲. کمال الدین ۱: ۳۱۷؛ بحار الأنوار ۵۱: ۱۳۳؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱: ۶۸؛ بحار الأنوار

از ما [اهل بیت] دوازده مهدی است، نخستین آنان حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام است؛

و آخرین شان نهمین فرزند من و همان قائم به حق است؛

خداوند زمین را پس از مردنش به وسیله‌ی او زنده می‌کند؛

و دین حق را بر همه‌ی دین‌ها پیروز می‌گرداند، هرچند مشرکان را
خوش نیاید.

او را غیبتی است که گروهی در آن غیبت، مرتدّ می‌شوند و گروهی
دیگر در دین ثابت‌قدم می‌مانند؛

آنان آزار و اذیت می‌شوند و به آنها گفته می‌شود: «اگر
راست‌گویان‌اید، این وعده چه زمانی است؟»

آگاه باشید، بی‌تردید صابران بر اذیت و تکذیب، در دوران غیبت آن
عزیز، به منزله‌ی مجاهدانی‌اند که با شمشیر در رکاب رسول خدا
می‌جنگند.

با فراگیرگشتن اسلام و آیین یکتاپرستی است که هم شرک و کفر و
بی‌دینی از میان برمی‌خیزد و هم ستم و سیاهی و فساد و تباهی نابود
می‌گردد و به این ترتیب، زمینِ مرده، زنده می‌شود.

حضرت باقر،

محمّد بن علی بن الحسین علیه السلام

* آبادانی زمین

پیروزی اسلام بر تمامی ادیان جلوه‌های گوناگونی دارد که برخی از آن‌ها را در دور روایت پیش خواندیم و در این روایت جلوه‌ی دیگری از فراگیری اسلام در سرتاسر کره‌ی خاکی را به بیان حضرت باقر علیه السلام می‌خوانیم:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
الْبَاقِرَ علیه السلام يَقُولُ:

الْقَائِمُ مِنَّا، مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ،

تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ،

يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ،

وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛

فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ؛

وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ.

محمد بن مسلم می‌گوید: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:
 قائم از ما [اهل بیت] است، با رعبی که خدا در دل دشمنانش
 می‌افکند، یاری می‌شود، با بصرت الهی تأیید می‌گردد،
 زمین برایش پیچیده [و پیموده] می‌شود و گنج‌های نهفته برایش
 آشکار می‌گردد،

سلطنتش به مشرق و مغرب زمین می‌رسد،
 و خداوند به وسیله‌ی او دینش را بر تمامی ادیان پیروز می‌فرماید،
 هرچند مشرکان را خوش نیاید؛
 پس [به این ترتیب] در کره‌ی زمین جای خرابی نمی‌ماند جز آن‌که
 آباد می‌شود؛

و روح خدا، حضرت عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت
 سر امام زمان نماز می‌خواند.

بر اساس این فرمایش، بستر و زمینه‌ی پیروزی اسلام، نصرت
 حضرت صاحب الزمان بانبروهای الهی و بروز بیناتی آسمانی است که
 از عوامل پیروزی آن حضرت و جهان‌گیر شدن اسلام است.

حضرت صادق، جعفر بن محمد علیه السلام

* ذلت کافران

جلوه‌ی دیگر از ظهور و پیروزی اسلام، ذلت و خفتی است که کافران را در بر می‌گیرد و سرانجام به نابودی آنان می‌انجامد. این بشارت هم در این فرمایش رخ نموده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

فَقَالَ: وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام؛

فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ؛

حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي

بَطْنِي كَافِرٌ فَاصْرِنِي وَاقْتُلْهُ.^۱

ابوبصیر می‌گوید: حضرت صادق درباره‌ی این آیه: ﴿اَوْ كَسِي اسْت كَه رَسُوْلَس رَا بَا هِدَايْت وَ دِيْن حَق فَرَسْتَاد تَا اَنْ رَا بَر تَمَامِي اَدِيَان پِيْرُوَز گَرْدَانَد، هَرْچِنْد مَشْرَكَان رَا خُوْش نِيَايِد.﴾
فرمود: به خدا سوگند، تأویل این آیه هنوز نازل نشده و تا زمانی هم که حضرت قائم خروج فرماید، تأویلش نازل نمی‌شود.
هنگامی که قائم خروج فرماید، هیچ کافر به خدای عظیم و نیز هیچ مشرک به امام، نمی‌ماند جز آن که خروج او را ناپسند می‌شمارد؛
تا جایی که اگر کافر یا مشرکی در دل صخره‌ای باشد، صخره به سخن درمی‌آید و می‌گوید: ای مؤمن، در دل من کافری است، مرا بشکن و او را بکش.^۲

۱. کمال الدین ۲: ۶۷۰؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۲۴ و نیز: تأویل الآيات: ۶۶۳؛ بحار الأنوار ۵۱:

۶۰.

۲. از این حدیث دانسته می‌شود که در زمان حضرت قائم عجل الله فرجه جمادات نیز به نفع آن حضرت

به نطق درمی‌آیند.

حضرت کاظم، موسی بن جعفر علیه السلام

* پیروزی اسلام، پیروزی ولایت

فراموش نکرده ایم کہ در دفتر یکم از این مجموعہ خواندہ ایم کہ ولایت، قطب قرآن و قطب ہمہی کتاب ہای آسمانی است. بر ہمین اساس، پیروزی اسلام در قیام حضرت قائم علیہ السلام، همان پیروزی قرآن و در نتیجہ، پیروزی ولایت است. بیان حضرت کاظم علیہ السلام گویای ہمین مطلب است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي علیہ السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ
عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ﴾ قَالَ:
يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا وَلايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیہ السلام بِأَفْوَاهِهِمْ.
قُلْتُ: ﴿وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾ قَالَ: وَ اللَّهُ مُتِمُّ الْإِمَامَةِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ:
﴿فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾ فَالنُّورُ هُوَ الْإِمَامُ.
قُلْتُ: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ﴾ قَالَ: هُوَ
الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لِوَصِيِّهِ وَ الْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ.

قُلْتُ: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ قَالَ: يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ
عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ.

قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ: ﴿وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾ وَ لَا يَبِ الْقَائِمِ، ﴿وَ لَوْ كَرِهَ
الْكَافِرُونَ﴾ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ^۱.

محمد بن فضیل می‌گوید: از حضرت امام کاظم علیه السلام راجع به این آیه پرسیدم: ﴿می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند﴾ امام فرمود: می‌خواهند نور ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با دهان‌هایشان خاموش کنند.

پرسیدم: ﴿و خدا نورش را تمام می‌کند﴾ یعنی چه؟ فرمود: و خدا امامت را تمام می‌کند، به سبب این سخن خدا که می‌فرماید: ﴿به خدا و رسولش و نوری که نازل کرده‌ایم، ایمان بیاورید﴾ پس نور، همان امام است.

راجع به این آیه پرسیدم: ﴿او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد﴾ فرمود: او کسی است که رسولش را به [ابلاغ] ولایت برای وصیش فرمان داد و ولایت، همان دین حق است.

پرسیدم: ﴿تا آن را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند﴾ یعنی چه؟ فرمود: او را هنگام قیام قائم بر همه‌ی ادیان پیروز می‌گرداند.

آن‌گاه امام افزود: خداوند می‌فرماید: ﴿و خدا نورش را تمام می‌کند﴾ این نور، همان ولایت قائم است. ﴿هرچند مشرکان را خوش نیاید﴾ یعنی به ولایت امیرالمؤمنین ناخرسند باشند.

ابوالعباس، عبدالله بن عباس

* جلوه‌های دیگری از پیروزی اسلام بر همه‌ی ادیان

پیش از این بر اساس روایات، برخی از ثمرات و اثرات پیروزی اسلام بر همه‌ی ادیان را برشمردیم. در تفسیری دیگر که جناب ابن عباس از این آیه‌ی شریفه ارائه می‌دهد، جلوه‌های دیگری از پیروزی اسلام رخ نموده است:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

قَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى لَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا صَاحِبُ مِلَّةٍ إِلَّا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ؛

حَتَّى يَأْمَنَ الشَّاةُ وَالذُّئْبُ وَالْبَقَرَةُ وَالْأَسَدُ وَالْإِنْسَانُ وَالْحَيَّةُ؛
وَحَتَّى لَا تَقْرَضَ فَأْرَةٌ جَرَابًا؛

وَحَتَّى تُوَضَعَ الْجِزْيَةُ وَ يُكْسَرَ الصَّلِيبُ وَ يُقْتَلَ الْخِنْزِيرُ؛

وَذَلِكَ قَوْلُهُ: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

وَذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۱

ابن عباس درباره‌ی آیه‌ی شریفه گفته است:

این امر واقع نخواهد شد تا آن‌که هیچ یهودی و نصرانی و صاحب

دینی نماند جز آن‌که داخل در اسلام شود؛

تا آن‌که گوسفند و گرگ و گاو و شیر و انسان و مار، [از یک‌دیگر] در

امان باشند؛

و تا آن‌که [بر اثر فراگیری امنیت، حتی] موش نیز انبان پوستین را

سوراخ نکند؛

و تا آن‌که [به سبب مسلمان شدن همه] جزیه از میان برود و صلیب

بشکند و خوک کشته شود؛

و این است سخن خداوند: ﴿تا آن‌که آن را بر تمامی دین‌ها چیره

گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید.﴾

و این پیروزی هنگام قیام قائم به انجام می‌رسد.

و سرانجام در دعای ندبه این چنین می‌خوانیم:

و وَعَدَّتْهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

خداوندا، تو خود وعده داده‌ای که دینت را بر تمامی ادیان پیروز

فرمایی، هرچند مشرکان را خوش نیاید.

نقاوه و نتیجه

اسلام، دین خدا و دین حق است، آیینی استوار و دین خالص خداست و سرانجام، اسلام همان تسلیم بودن در برابر خداست که اگر کسی چنین نباشد، مسلمان نیست.

اسلام ویژگی‌هایی دارد که ما را بر آن می‌دارد تا از دل و جان بر آن استوار بمانیم و آن را با همه‌ی وجود پاس بداریم.

اسلام، دینی است که خداوند سرانجام، آن را بر تمامی ادیان پیروز می‌گرداند و در سرتاسر زمین فراگیرش می‌سازد و چنان می‌شود که به فرموده‌ی حضرت علی علیه السلام، هیچ سرزمینی نمی‌ماند جز آن که در آن، صبح و شام، ندای لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله برمی‌خیزد. این، بزرگ‌ترین دست‌آورد فراگیری و فیروزی اسلام است.

برخی دیگر از آثار و ثمرات همه‌گیرگشتن اسلام در سرتاسرگیتی، چنین است:

* در قیام حضرت مهدی علیه السلام، زمین مرده، زنده می‌شود. مردن زمین، دو معنا دارد:

- گسترش کفر و بی‌دینی

- فراگیری ظلم و ستم

و زنده شدن زمین، که با پیروزی اسلام رخ می‌دهد، یعنی نابودی کفر و توسعه‌ی توحید و نیز بروز و ظهور دادگری در سرتاسر جهان.
* آنان که در دوران غیبت بر امامت حضرت حجت، پای می‌فشارند و بر آزار منکران صبوری می‌کنند، به منزله‌ی مجاهدان در رکاب پیامبرند.

* قیام حضرت قائم به فرموده‌ی حضرت باقر علیه السلام، این ویژگی‌ها را دارد:

- سلطنت آن حضرت به شرق و غرب عالم می‌رسد.

- همه‌ی خرابی‌ها آباد می‌شود.

- حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و به امامت حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌گزارد.

- کافران، خوار و ذلیل می‌شوند.

* با پیروزی اسلام، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز سلطنت و قدرت می‌یابد و فراگیر می‌گردد.

* یهودیان و مسیحیان، مسلمان می‌شوند و صلیب می‌شکند و خوک کشته می‌شود تا نمادهای مسیحیت از میان برود.

اینک شما باید بتوانید:

۱. با استفاده از آیات قرآن، برخی از ویژگی‌های مهم اسلام را برگویید.
۲. معنای اسلام را بر اساس روایتی که آورده‌ایم، بیان کنید.
۳. به استناد بیانات حضرت علی علیه السلام بعضی از برتری‌های اسلام را برشمارید.
۴. سخن حضرت علی علیه السلام را در سفارش به دین‌داری، از حفظ بخوانید.
۵. آیه‌ای را که از فیروزی و فراگیری اسلام سخن می‌گوید، حفظ کنید.
۶. درباره‌ی زمین مرده و چگونگی آن و زنده شدنش، توضیح دهید.
۷. برخی از آثار و ثمرات جهانگیر شدن اسلام را برشمارید.

به این پرسش‌ها پاسخ دهید

۱. برخی از ویژگی‌های اسلام را برشمارید.
۲. معنای اسلام را بیان کنید و ثمره‌ی آن را بگویید.
۳. حضرت علی علیه السلام جلوه‌ی بارز پیروزی اسلام را چه چیزی می‌فرماید؟
۴. مرگ زمین به چه معناست؟
الف:
ب:
۵. به بیان حضرت حسین علیه السلام منزلت صابران در دوران غیبت چیست؟
۶. به فرموده حضرت باقر علیه السلام، قائم چنان است که:
الف:
ب:
ج:
د:
۷. معنای دیگر هدایت که رسول خدا با آن فرستاده شده است، چیست؟

بخش چهارم

یک دین، دستاورد زمین

مطلع

کمی پیش از این، برخی ویژگی‌های اسلام را
برشمردیم و اینک می‌افزاییم که:
دین نزد خدا فقط اسلام است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۱

و هر کس هم به جز اسلام دینی برگزیند،
هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و در آخرت
بی‌تردید از زیان‌کاران خواهد بود:

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ
فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۲

﴿و هر کس به جز اسلام دینی بجوید، هرگز از او
پذیرفته نشود و همو در آخرت از زیان‌کاران است.﴾
و این اسلام، همان دین فطری است که

۱. آل عمران (۳): ۱۹.

۲. آل عمران (۳): ۸۵.

خداوند از آن چنین یاد می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ * إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِربِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱﴾

«و چه کسی جز آن کس که به سبک‌مغزی گراییده است، از آیین ابراهیم روی برمی‌تابد، و ما هرآینه او را در دنیا برگزیدیم و البته او در آخرت نیز از صالحان و شایستگان است. هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم شو. گفت: به پروردگار جهان تسلیم شدم.» ﴿۱﴾

از آیه‌ی بعدی پیداست که آن آیین ابراهیمی تسلیم شدن در برابر خداست که در آیات دیگری از آن با عنوان دین حنیف، که همان دین فطری است، یاد شده است.^۲ همان دینی که با این ویژگی وصف شده است:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۳

۱. بقره (۲): ۱۳۱ - ۱۳۰.

۲. تعبیر مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً در این آیات آمده است: بقره (۲): ۱۳۵، آل عمران (۳): ۹۵، نساء

(۴): ۱۲۵، انعام (۶): ۱۶۱، نحل (۱۶): ۱۲۳.

۳. روم (۳۰): ۳۰.

﴿پس روی خود را با گرایش تمام و کامل به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن، آفریده است. آفرینش خدا دگرگون نمی‌شود. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.﴾

این، همان آیینی است که:

﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۱

﴿و ابراهیم و یعقوب، پسران خود را به آن آیین سفارش کردند [و در وصیت‌شان گفتند]: ای پسران من، بی‌گمان خداوند برای شما این دین را برگزیده است، پس البته نباید جز مسلمان بمیرید.﴾
و آن، بهترین آیین است:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾^۲

﴿و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی کرده است، و خدا ابراهیم را دوست برگرفت.﴾

۱. بقره (۲): ۱۳۲.

۲. نساء (۴): ۱۲۵.

آری، دین ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و موسی و عیسی علیهم‌السلام، همان دین محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و همان دین علی مرتضی علیه‌السلام و همان دین اسلام است و این دینی است که سرانجام، سرتاسر گیتی را دربرمی‌گیرد و به جز آن، دیگر دینی نمی‌ماند. در این بخش به این مهم می‌پردازیم که با قیام حضرت مهدی علیه‌السلام، همان دین ابراهیم علیه‌السلام و دین همه‌ی پیامبران، همان دین حنیف، تنها دین سرتاسر زمین می‌شود.

ناگفته نماند که مباحث این بخش با آنچه که در بخش پیشین آمده است، قرابت زیادی دارد، اما از آن جا که آیه‌ی دیگری از همان حادثه‌ی سرورآفرین سخن گفته است، این بحث را جداگانه آوردیم.

آنچه باید در این بخش فرا بگیریم و به کار ببندیم، آن است که:

در دوران دشوار غیبت حضرت صاحب الزمان و تا زمانی که آن حضرت، پای در رکاب اسب ظهور نهد و با کافران بجنگد و دین را یکسره برای خدا کند، این‌گونه سخنان را آویزه‌ی گوش و هوش می‌کنیم و به آن توصیه‌های آسمانی، سخت پای‌بند می‌شویم:

حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَرْتَفِعُ فِيهِ الْفَاحِشَةُ وَ
 لَتَصْنَعُ وَ يُنْتَهَكُ فِيهِ الْمَحَارِمُ وَ يُعْلَنُ فِيهِ الزُّنَا وَ
 يُسْتَحَلُّ فِيهِ أَمْوَالُ الْيَتَامَى وَ يُؤْكَلُ فِيهِ الرِّبَا وَ
 يُطْفَفُ فِي الْمَكَايِيلِ وَ الْمَوَازِينِ وَ يُسْتَحَلُّ الْخَمْرُ
 بِالنَّبِيدِ وَ الرِّشْوَةُ بِالْهَدِيَّةِ وَ الْخِيَانَةُ بِالْأَمَانَةِ وَ يَتَشَبَّهُ
 الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ يُسْتَخَفُّ
 بِحُدُودِ الصَّلَاةِ وَ يُحَجُّ فِيهِ لِغَيْرِ اللَّهِ...

فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ حِينْتِدِّ مِنْ أَخَذِ اللَّهِ عَلَى غَفْلَةٍ فَإِنَّ
 مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ مَوْتَ ذَرِيْعٍ يَخْتَطِفُ النَّاسَ
 اخْتِطَافًا حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لَيُصْبِحُ سَالِمًا وَ يُمْسِي
 دَفِينًا وَ يُمْسِي حَيًّا وَ يُصْبِحُ مَيِّتًا...

وَ قَدْ حَذَرْتُمْ إِنْ حَذَرْتُمْ وَ عَرَفْتُمْ إِنْ عَرَفْتُمْ وَ
 وَعَظْتُمْ إِنْ اتَّعَظْتُمْ.

فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي سَرَائِرِكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ ﴿ وَ لَا تَمُوتُنَّ
 إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾^۱ ﴿ وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ
 دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ﴾^۲

زمانی بر مردم می آید که زشتی برافراشته می شود و
 حرامها [به دروغ و فریب] زیبا نمایانده و در انجام

۱. آل عمران (۳): ۱۰۲.

۲. بحار الأنوار ۹۳: ۳۰۳. نشانه‌ی آیه‌ی مورد استناد: آل عمران (۳): ۸۵.

آن، زیاده‌روی می‌شود و زنا آشکار می‌گردد و اموال یتیمان، حلال به شمار می‌آید و ربا خورده می‌شود و در پیمان‌ها و ترازوها کاستی انجام می‌گیرد و می، به عنوان نبیذ و رشوه به نام هدیه و خیانت به اسم امانت، حلال شمرده می‌شود و مردان خویشان را شبیه زنان و زنان، خود را شبیه مردان می‌نمایانند و حدود نماز، خفیف و سبک می‌شود و به خاطر غیر خدا حج می‌گذارند...

پس در آن هنگام، از این‌که [عذاب] خداوند ناگهان شما را بگیرد، برحذر باشید؛ همانا در پس آن گرفتن، مرگی سریع و پرشتاب خواهد بود که مردم را به سرعت برمی‌گیرد تا آن‌که کسی صبح‌گاهان سالم است و شبان‌گاهان دفن می‌شود و کسی شب، زنده است و صبح، مرده! ...

و هرآینه من شما را سخت [از خطر] برحذر داشتم، البته اگر برحذر شدید، و به شما [بلاهای ناگهانی را] شناساندم، البته اگر شناختید، و شما را موعظه کردم، اگر پند را پذیرفتید. پس:

* در آشکار و نهان، از خدا پروا پیشه کنید.

* ﴿و نمیرید جز آن‌که مسلمان باشید﴾

* ﴿و هر کس به جز اسلام دینی بطلبد، هرگز از او

نمی‌پذیرند و او در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود.﴾

همه‌ی دین، تنها برای خدا

در دو آیه‌ی قرآن، این بشارت آمده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^۱

﴿و با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستم‌کاران روا نیست.﴾

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^۲

﴿و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین، یک‌سره از آن خدا گردد. پس اگر [از کفر] باز ایستند، قطعاً خدا به آن چه انجام می‌دهند، بیناست.﴾

بخش نخست هر دو آیه، حکایت از آن می‌کند که مسلمانان باید با

۱. بقره (۲): ۱۹۳.

۲. انفال (۸): ۳۹.

کافران بجنگند تا دیگر هیچ کفر و شرک و کافر و مشرکی نماند و دین، یک‌سره از آن خدا شود.

بخش دوم هر دو آیه، گویای آن است که اگر کافران دست از کفر و دشمنی علیه مسلمانان بشویند، هیچ تجاوزی جز علیه ستم‌کاران نخواهد بود و خداوند هم به آن چه انجام می‌دهند، آگاه است.

تفسیر و تبیین معلمان و مفسران راستین قرآن درباره‌ی این دو آیه،

چنین است:

روایات حضرت ابوجعفر،
محمد بن علی الباقر علیه السلام

* تحقق کامل آیه در ظهور امام زمان علیه السلام

در این باره از حضرت باقر علیه السلام سه روایت نقل شده است:

* گسترش دین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در کره‌ی زمین

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: سُئِلَ أَبِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: ﴿قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ
كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾

[و] ﴿حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾

فَقَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ، وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَيْرَى مَنْ
يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ؛

وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى
ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ.^۱

حضرت صادق علیه السلام فرمود: از پدرم راجع به این سخن خدا سؤال شد:

۱. تفسیر عیاشی ۲: ۵۶؛ بحار الأنوار ۵۱: ۲۵۵.

«همگی با مشرکان پیکار کنید، چنان‌که آنان همگی با شما می‌جنگند.»

و «تا آن‌که فتنه‌ای نماند و دین، یک‌سره از آن خدا شود.»
 امام علیه السلام فرمود: بی‌تردید تأویل این آیه هنوز نیامده است و اگر هرآینه قائم ما قیام کند، کسی که آن حضرت را درک کند، تأویل این آیه را به زودی می‌بیند؛

و به یقین، دین محمد تا آن‌جا که شب می‌رسد، فراگیر می‌گردد، تا آن‌که - چنان‌که خداوند فرموده است - دیگر شرکی روی زمین نماند.

* فراگیری توحید و یکتاپرستی

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ:
 «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»

فَقَالَ: لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم رَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَتِهِ وَ حَاجَةَ أَصْحَابِهِ؛

فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ؛ لَكِنَّهُمْ يُقْتَلُونَ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ.^۱

محمد بن مسلم می‌گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: [تفسیر] این سخن خداوند [چیست؟]

«و آنان را بکشید تا آن‌که دیگر فتنه‌ای نماند و دین، یک‌سره از آن خدا گردد.»

امام علیه السلام فرمود: هنوز تأویل این آیه نیامده است؛ همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای برآورده شدن حاجت خود و حاجت اصحابش به

کافران رخصت داد؛

اگر تاویل آیه آمده بود، [صلح و جزیه را] از آنان نمی‌پذیرفت؛ ولی کافران کشته خواهند شد تا آن‌که خداوند به یکتایی شناخته شود و دیگر هیچ شرکی نماند.

* گسترش اسلام در سرتاسر جهان

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: ... وَ لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ: ﴿ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾^۱

وَ لَا يَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجِزْيَةَ، كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: ﴿ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ﴾

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يُقَاتِلُونَ وَ اللَّهُ حَتَّى يُوحِّدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ.^۲

حضرت باقر فرمود: ... هیچ سرزمینی نمی‌ماند جز آن‌که ندای شهادت بر این‌که معبودی به جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد و بی‌تردید محمد رسول خداست، در آن برمی‌خیزد و این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: ﴿هر کس در آسمان‌ها و زمین است، خواسته یا ناخواسته، در برابر خداوند سر تسلیم فرود می‌آورد و به سوی خدا بازگردانیده می‌شوند﴾

۱. آل عمران (۳): ۸۳.

۲. تفسیر عیاشی ۲: ۵۸؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۴۳.

صاحب این امر [حضرت مهدی علیه السلام] جزیه نمی‌پذیرد، چنان‌که رسول خدا می‌پذیرفت و این است سخن خداوند: «آنان را بکشید تا دیگر فتنه‌ای نماند و دین، یک‌سره از آن خدا گردد.»
حضرت باقر علیه السلام افزود: به خدا سوگند، [یاران مهدی] می‌جنگند تا آن‌که توحید و یکتاپرستی فراگیر گردد و دیگر چیزی شریک او شمرده نشود.

بیانات حضرت ابو عبدالله،
جعفر بن محمد الصادق علیه السلام

* روشنایی زمین، بندگی خدا

در پرسش‌های ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام راجع به امام
زمان علیه السلام، از جمله آمده است:

قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ
الْبَيْتِ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا بَصِيرٍ، هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ
سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ؛

يَغِيبُ غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ، ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتَحُ
عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛

وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ؛

وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ لَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عَبْدَ فِيهَا
غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ

المُشْرِكُون. ۱

ابوبصیر می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم: ای پسر رسول خدا، قائم از شما اهل بیت، کیست؟
فرمود: ای ابابصیر، او پنجمین از فرزندان پسر موسی است، او فرزند بانوی کنیزان است؛
او غیبتی خواهد داشت که در آن دوران غیبت، باطل‌گرایان دچار تردید می‌شوند، سپس خداوند، او را آشکار می‌فرماید و به دو دست پر قدرتش مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را می‌گشاید؛
و روح‌الله، عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌گزارد؛
و زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و هیچ سرزمین برگزیده‌ای که در آن غیر خدا پرستیده می‌شد، نمی‌ماند جز آن که خداوند در آن، بندگی می‌شود و همه‌ی دین از آن خدا می‌شود، هرچند مشرکان را خوش نیاید.

* تأکید بر فراگیری دین یگانه‌ی خدا در آینده‌ی جهان

در مطلع این بخش دانستیم که دین، نزد خدا فقط اسلام است و این مهم در روایتی که از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌آوریم، به روشنی بیان و تأکید شده است که دین پذیرفته شده نزد خدا، همان اسلام است که در سرتاسر این کره‌ی خاکی گسترش می‌یابد و نزد خداوند متعال، که فرستنده‌ی همه‌ی رسولان و برانگیزاننده‌ی همه‌ی پیامبران است، هیچ دین و آیین دیگری پذیرفته نیست.

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ كَمَا وَعَدَ بِهِ جَدُّهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي قَوْلِهِ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

قَالَ الْمُفَضَّلُ: قُلْتُ: وَمَا تَأْوِيلُ قَوْلِهِ: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾؟
قَالَ: هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ ... ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

قَالَ الْمُفَضَّلُ: فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي، وَالدِّينُ الَّذِي أَتَى بِهِ آدَمُ وَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ، هُوَ الْإِسْلَامُ؟
قَالَ: نَعَمْ يَا مُفَضَّلُ، هُوَ الْإِسْلَامُ لَا غَيْرُ.
قُلْتُ: فَجَدُّهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ؟

قَالَ: نَعَمْ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ وَ هَذِهِ الْآيَةُ مِنْهُ: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۱

در حدیثی مفصل از مفصل که درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن جناب نقل شده، از جمله آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: ... سپس خداوند، او [حضرت مهدی] را آشکار می‌فرماید، چنان که راجع به ظهور او به جدش رسول خدا در این سخن - که گوینده‌اش بسی گرامی است - وعده داده است: ﴿او کسی است که رسولش را با

هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمامی دین‌ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید.﴿

مفضل گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: تأویل این سخن خداوند چیست که می‌فرماید: ﴿تا آن را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند﴾؟

امام علیه السلام فرمود: این سخن، همان قول خداوند است که می‌فرماید: ﴿با آنان [کافران] بجنگید تا آن‌که دیگر فتنه‌ای نماند و دین، یک‌سره از آن خدا شود﴾. چنان‌که خداوند عزوجل، فرموده است: ﴿بی‌تردید دین نزد خدا، اسلام است﴾. ... ﴿و هر کس به جز اسلام دینی برگزیند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیان‌کاران است﴾.

مفضل گفت: پرسیدم: آقای من، آیا دینی که آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد آوردند، همان اسلام است؟

امام علیه السلام فرمود: آری ای مفضل، همان اسلام است و نه دینی دیگر. پرسیدم: آیا این را در کتاب خدا می‌یابیم؟

فرمود: آری، از آغاز تا پایان کتاب، این مطلب آمده و این آیه از آن نمونه است: ﴿همانا دین نزد خدا، اسلام است﴾.

* نابودی همه‌ی گروه‌ها و دین‌ها و بت‌ها و بت‌پرستی‌ها

در بخش دیگری از همین حدیث آمده است:

قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ، فَقَوْلُهُ: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ مَا كَانَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ظَهَرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ؟

قَالَ: يَا مُفَضَّلُ، لَوْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ظَهَرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ مَا

كَانَتْ مَجُوسِيَّةٌ وَلَا يَهُودِيَّةٌ وَلَا صَابِئِيَّةٌ وَلَا نَصْرَانِيَّةٌ وَلَا فُرْقَةٌ وَلَا

لَا خِلَافٌ وَلَا شَكٌّ وَلَا شِرْكٌ وَلَا عَبَدَةُ أَصْنَامٍ وَلَا أُوثَانٍ وَلَا

بخش چهارم: یک دین، در سرتاسر زمین ◀ ۱۴۳

اللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَ لَا عَبْدَةَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ لَا النَّجُومِ وَ لَا النَّارِ
وَ لَا الْحِجَارَةِ! وَ إِنَّمَا قَوْلُهُ: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ فِي هَذَا
الْيَوْمِ وَ هَذَا الْمَهْدِيُّ وَ هَذِهِ الرَّجْعَةُ وَ هُوَ قَوْلُهُ: ﴿وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى
لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^۱

مفضل گفت: مولای من، پس این سخن خداوند [چه می‌شود] تا
آن را بر همه‌ی دین‌ها پیروز کند، آیا رسول‌الله بر همه‌ی دین‌ها
پیروز نشد؟

امام فرمود: ای مفضل، اگر رسول‌الله بر همه‌ی دین‌ها پیروز می‌شد،
دیگر نه مجوسیت و نه یهودیت و نه صابئیت و نه نصرانیت و نه
ازهم‌گسیختگی و نه خلاف و نه شک و نه شرک و نه پرستندگان
بت‌ها و نه لات و عزّی و نه پرستندگان خورشید و ماه و نه ستارگان
و نه آتش و نه سنگ، هیچ، نمی‌ماند! و همانا این سخن خداوند که
می‌فرماید: ﴿تا آن را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند﴾ در چنین روزی
و در ظهور مهدی و در هنگام رجعت خواهد بود و این، همان سخن
خداوند است که می‌فرماید: ﴿و با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد
و دین، یک‌سره از آن خدا شود﴾.

آری عقیده بر ظهور امام زمان و پیروزی اسلام بر همه‌ی ادیان و
فراگیری اسلام در سرتاسر کره‌ی زمین، از چنان اعتبار و استحکام و
جای‌گاهی برخوردار است که مرحوم شیخ صدوق در بیان عقاید
مذهب راستین شیعه‌ی دوازده‌امامی، می‌فرماید:

... وَ أَنَّهُ هُوَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا

حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَكَانٌ إِلَّا يُنَادَى فِيهِ بِالْأَذَانِ وَ يَكُونُ
الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...^۱

... و باور ما بر آن است که حضرت مهدی عجل الله فرجه کسی است که خداوند به دو دست پر قدرت او مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را می‌گشاید تا آن‌جا که در زمین جایی نمی‌ماند جز آن‌که در آن به اذان، ندا برمی‌خیزد و دین تماماً از آن خدا می‌شود...

نقاوه و نتیجه

این مباحث را در این درس خواندیم:
دین، نزد خدا فقط اسلام است.
اسلام همان آیین فطری و دین حنیف ابراهیمی است.
ابراهیم و یعقوب علیهما السلام، فرزندان خود را به مسلمان بودن سفارش کرده‌اند.
بهترین و نیکوترین آیین، همان اسلام، یعنی تسلیم بودن در برابر خالق هستی است.
در ظهور امام زمان و بانبرد بی‌امان آن عزیز است که کافران همه از میان می‌روند و دین، یعنی همان اسلام، یک‌سره از آن خدا می‌شود و فراگیر می‌گردد.
در آن روزگار هیچ شرکی در پهنه‌ی زمین نمی‌ماند.
تحقق کامل آیه‌ی مورد بحث در این بخش، جز در ظهور امام زمان، ممکن نشده و نخواهد شد.
دیگر بار تأکید شده است که هیچ سرزمینی نمی‌ماند جز آن که ندای

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي رَأْسِ بَلَدٍ
مِي شُود.

زمین به نور پروردگارش روشن و در تمامی عبادت‌گاه‌ها تنها خدا
پرستیده می‌شود.

همه‌ی بت‌ها و بت‌پرستی‌ها و دین‌ها و فرقه‌ها و اختلاف‌ها و
تردیدها، از میان می‌روند.

اینک شما:

۱. دریافته‌اید که چرا اسلام، همان دینی است که خداوند فطرت آدمیان را بر آن سرشته است.
۲. دانسته‌اید که وصیت ابراهیم و یعقوب به فرزندانشان چیست.
۳. می‌توانید بر اساس آیات قرآن بگویید که چرا تنها دین اسلام، دینِ خداست.
۴. می‌دانید که چرا باید بر اساس هشدارهای که امیرالمؤمنین علیه السلام از بی‌دینی‌های دوران آخرالزمان داده است، دینتان را بپایید.
۵. به این باور رسیده‌اید که بی‌تردید همان اسلامی که محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پیام‌آور آن بوده است، در سرتاسر گیتی فراگیر می‌گردد و پلیدی شرک را از تمامی سرزمین‌ها، می‌زداید.
۶. می‌دانید که به دست پر قدرت حضرت صاحب الزمان و مدد و همراهی حضرت عیسی علیه السلام است که تمامی این رخ داده‌های فرخنده به وقوع می‌پیوندد و زمین به نور پروردگارش، روشن می‌گردد.
۷. و با این دانستنی‌های ارزشمند است که وظیفه‌ی خویش می‌دانید که برای نهادینه کردن معرفت مهدوی و دعا برای تعجیل در فرج آن گرامی، آرام و قرار نداشته باشید.

به این پرسش‌ها پاسخ دهید

۱. آیین یا همان ملت ابراهیم کدامین دین است؟ بر اساس آیه‌ی قرآن پاسخ دهید.
۲. وصیت حضرات ابراهیم و یعقوب به پسرانشان چه بود؟ بر اساس آیه‌ی قرآن پاسخ دهید.
۳. برخی از بیانات حضرت علی علیه السلام را درباره‌ی آخر الزمان بیان کنید.
۴. دستور خداوند، برای آن‌که دین، یک‌سره از آن خدا باشد، چیست؟
۵. تحقق آن بشارت در چه هنگامی خواهد بود؟
۶. مهم‌ترین و بارزترین جلوه‌ی تحقق آن بشارت چیست؟
۷. روشنایی زمین به نور پروردگارش در چه زمانی و چگونه تحقق می‌یابد؟
۸. گزیده‌ی بیانات حضرت صادق علیه السلام به مفضل راجع به فراگیری اسلام، چیست؟

بخش پنجم

استقرار جهانی نظم امام بندگی خدا

مطلع

تمامی تلاش‌های پیامبران خدا، آن بوده است که در این آیه‌ی شریفه به آن تصریح شده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱

﴿و به راستی، در میان هر امتی رسولی برانگیختیم که [بگوید]: خدا را بپرستید و از طاغوت [سرکش و فریبگر] پرهیزید و دوری گزینید.﴾

خداوند درباره‌ی حضرات نوح^۲ و هود^۳ و صالح^۴ و شعیب عليه السلام^۵ نقل می‌فرماید که آنان

۱. نحل (۱۶): ۳۶.

۲. اعراف (۷): ۵۹، مؤمنون (۲۳): ۲۳.

۳. اعراف (۷): ۶۵، هود (۱۱): ۵۰.

۴. اعراف (۷): ۷۳، هود (۱۱): ۶۱.

۵. اعراف (۷): ۸۵، هود (۱۱): ۸۴، عنکبوت (۲۹): ۳۶.

همگی به قوم خود چنین هشدار می‌دادند:

﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾

«ای قوم من، خدای را بپرستید، شما را معبودی به جز او نیست.»

پیامبران خدا، اگر قدرت و مکننت می‌یافتند، همان می‌کردند که حضرت علی علیه السلام در بیان هدف حکومت الهی، تبیین فرموده است:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا؛

مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ
الْحُطَّامِ؛

وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ
فِي بِلَادِكَ؛

فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَّةُ مِنْ
حُدُودِكَ.^۱

خدایا، تو خود خوب می‌دانی که آن چه ما انجام داده‌ایم [و می‌دهیم]؛

نه برای دل‌دادگی و رغبت به قدرت است و نه برای خواستن چیزی از زیاده‌های بی‌ارزش دنیا؛

بلکه برای آن است که نشانه‌های روشن دینت را به جای خود بازگردانیم و اصلاح و سامان را در شهرها و سرزمین‌هایت آشکار سازیم؛

خدایا، چنین می‌کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ی تو ایمنی

یابند و حدود تعطیل شده‌ات برپا شود.

در داستانی دیگر، هنگامی که برای جنگ با پیروان شتر و شیطان [اصحاب جمل] آماده‌ی نبرد می‌شد، آمده است:

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: دَخَلْتُ عَلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذِي قَارٍ وَهُوَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ؛
فَقَالَ لِي: مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟ فَقُلْتُ: لَا قِيمَةَ لَهَا.
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ، إِلَّا أَنْ
أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا^۱

ابن عباس می‌گوید: [پیش از عزیمت به جنگ جمل] در منطقه‌ی ذی‌قار بر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، در حالی که کفشش را پینه می‌زد، داخل شدم.

به من فرمود: ارزش این کفش چقدر است؟ گفتم: هیچ ارزشی ندارد.

فرمود: به خدا سوگند، این لنگه کفش بی‌ارزش برای من محبوب‌تر از امارت و فرمان‌روایی بر شماست، مگر آن‌که حقی را برپا، یا باطلی را دفع کنم.

در حدیثی شریف، حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ منزلت والای شیعیانی را که در خوف و خفا خدا را بسندگی می‌کنند، برمی‌شمارد و راوی، از شنیدن آن بیانات بسیار شکفت زده می‌شود و عرض می‌کند:

۱. نهج البلاغه [نسخه‌ی صبحی صالح]: ۶؛ بحار الأنوار ۳۲: ۷۶.

فدای شما شوم، پس چرا آرزو کنیم که در این حال از اصحاب قائم باشیم، و اینک اعمال ما امروز در پرتو امامت و اطاعت شما، از اعمال اصحاب دولت حق، برتر است.

امام علیه السلام با شگفتی فرمود:

سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ حَالَ عَامَّةِ النَّاسِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَا يُعْصِيَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَيُقَامَ حُدُودَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَيُرَدَّ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرُوهُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؟!^۱

سبحان الله! آیا دوست نمی‌دارید که خداوند، تبارک و تعالی، حق و عدل را در شهرها و سرزمین‌ها آشکار فرماید و همه‌ی مردم را در کلمه [ی توحید] فراهم آورد و میان دل‌های پراکنده الفت و هم‌دلی پدید آورد و حدود خدا در میان آفریدگان خدا اقامه و اجرا شود و حق به اهلش بازگردد و آن را آشکار سازند تا آن‌که چیزی از حق، از ترس هیچ آفریده‌ای، پنهان نماند؟!

با توجه به مأموریت اصلی پیامبران که همان گسترش دامنه‌ی بندگی خدا و اقامه‌ی دین خداست و با عنایت به سخنانی که از

۱. کمال‌الدین ۲: ۶۴۵؛ بحارالانوار ۵۲: ۱۲۷ و نیز: کافی ۱: ۳۳۳.

حضرت علی علیه السلام آوردیم، اینک می‌گوییم:
درست است که در ظهور امام زمان شاهد
دست‌آوردهای مادی بسیاری خواهیم بود،
درست است که زمین، گنجینه‌های نهانش را
آشکار می‌کند و تقسیم ثروت متعادل
می‌شود،
درست است که امنیت و آسایشی همگانی
برای بشر به ارمغان آورده می‌شود،
درست است که آسمان، بارشی دیگر و زمین،
رویشی شگفت خواهد داشت،
درست است که عدل و داد فراگیر می‌گردد و
ظلم و ستم از میان می‌رود،
اما تمامی دل‌سپاری ما به همان بشارتی است
که قرآن داده است و در این بخش، آن را
خواهیم خواند.

برترین و بهترین بهره‌مان را هم از این درس، همان می‌دانیم که در این دعا، درخواست می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ^۱ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ،
تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ،
وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى
سَبِيلِكَ،

وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.^۲

خدایا، ما از تو دولتی را درخواست می‌کنیم که در آن دولت:

اسلام و اهلش را عزیز گردانی و نفاق و اهلش را ذلیل فرمایی.

دولتی که در آن، ما را از دعوت‌کنندگان به طاعت خویش و پیشروان به راه خویش قرار دهی. و کرامت دنیا و آخرت را روزی‌مان فرمایی.

۱. يقال: رَغِبْتُ إِلَى فُلَانٍ كَذَا وَ كَذَا: أَي سَأَلْتُهُ إِيَّاهُ: از فلانی چنان چیزی را خواستم.

۲. از امام باقر علیه السلام در خطبه‌ی روز جمعه: کافی ۳: ۴۲۴؛ در دعای افتتاح مروی از حضرت صاحب‌الزمان در شب‌های ماه مبارک رمضان: تهذیب الأحکام ۳: ۱۱۰؛ الاقبال: ۶۰؛ از حضرت باقر علیه السلام در دعای روز جمعه و دو عید فطر و قربان: الاقبال: ۲۸۰؛ بحار الأنوار ۸۸: ۶؛ مصباح المتهجد: ۵۸۰؛ در دعای بعد از نماز عید فطر: الاقبال: ۲۹۳؛ بحار الأنوار ۸۸: ۲۵؛ بحار الأنوار ۹۵: ۲۰۹؛ از حضرت صادق علیه السلام هنگام فرارسیدن ماه مبارک رمضان: الاقبال: ۵۱؛ بحار الأنوار ۹۴:

صدور اذن جهاد به ستم‌دیدگان

* در زمان رسول خدا

هنگامی که مسلمانان در مکه از سوی مشرکان آزار می‌دیدند و شکنجه و کشته می‌شدند، دستور چنان بود که صبر پیشه کنند و استقامت بورزند.

چون رسول خدا ﷺ دستور یافت تا به مدینه مهاجرت کند و مسلمانان هم به پیروی از پیامبرشان هجرت پیشه کردند و همراه با پیامبر در مدینه مستقر شدند و قدرتی یافتند، این آیات نازل شد:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ *
الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا
دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتَّتْ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٌ وَ
مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ
لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ
آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ

عَاقِبَةُ الْأُمُورِ^۱

﴿به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، اذن جهاد داده شده است، زیرا به آنان ستم شده است و بی‌تردید خداوند بر پیروزی آنان کاملاً تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان رانده شدند، [آنان گناهی نداشتند] جز این که می‌گفتند: پروردگار ما، الله است. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خداوند در آنها فراوان برده می‌شود، کاملاً ویران می‌شد و البته خداوند حتماً کسی را که [پیامبر و دین] او را یاری می‌کند، یاری خواهد کرد، همانا خداوند بسی توانا و فرازمند [و شکست‌ناپذیر] است هم آنان که اگر آنان را در زمین مکننت و قدرت دهیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناشایست باز می‌دارند و پایان کارها با خداوند است.﴾

* جاری بودن حکم آیه درباره‌ی حضرت حسین علیه السلام

می‌دانیم که یکی از ویژگی‌های سخن خداوند آن است که به موردی که آیه به آن سبب نازل شده است، محدود نمی‌شود و در مواردی هم که به ویژه در روایات معلوم شده، جاری است. چنان که حضرت باقر علیه السلام فرموده است:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ﴾ إِلَى قَوْلِهِ: ﴿لَقَدِيرٌ﴾ قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ جَعْفَرٍ وَ حَمْزَةَ ثُمَّ جَرَتْ فِي الْحُسَيْنِ علیه السلام.
وَ قَوْلُهُ: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا﴾ الْآيَةَ. قَالَ: الْحُسَيْنُ علیه السلام حِينَ طَلَبَهُ

يَزِيدُ لَعْنَهُ اللَّهُ لِيَحْمِلَهُ إِلَى الشَّامِ، فَهَرَبَ إِلَى الْكُوفَةِ وَ قُتِلَ
بِالطَّفِّ^۱.

این آیه درباره‌ی حضرت علی و جعفر و حمزه علیهم‌السلام نازل شده و سپس درباره‌ی حسین علیه‌السلام جاری گشته است. هنگامی که یزید - از رحمت خدا دور باد - حسین علیه‌السلام را طلبید تا او را به شام بیاورد، آن حضرت به کوفه گریخت و در سرزمین طف [کربلا] شهید شد.

* بیان مصداق دیگری از آیه

چنان‌که گفتیم، برخی از آیات قرآن بر اساس ویژگی آن، افزون بر شأن و سبب نزول، مصادیق دیگری نیز دارند، مصداق دیگر آیه همان است که در این روایات آمده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام فِي قَوْلِهِ: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا

۱. تفسیر قمی ۲: ۸۴؛ بحار الأنوار ۲۴: ۲۲۳. نقل‌های دیگر این مضمون، چنین‌اند:
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...﴾ قَالَ: نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلوات‌الله‌علیه‌وسلم وَعَلِيِّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ وَ جَرَّتْ فِي الْحُسَيْنِ علیه‌السلام أَجْمَعِينَ. (کافی ۸: ۳۳۷؛ بحار الأنوار ۳۶: ۱۴۶؛ تأویل الآيات: ۳۳۵؛ بحار الأنوار ۲۴: ۲۲۷)
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...﴾ قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ وَ جَعْفَرَ وَ حَمْزَةَ وَ جَرَّتْ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام وَ الثَّجِيبَةِ وَ الْإِكْرَامِ. (تفسیر فرات: ۲۷۳؛ بحار الأنوار ۴۴: ۲۱۹)
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...﴾ عَلِيِّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ جَعْفَرَ وَ حَمْزَةَ علیهم‌السلام. (تفسیر فرات: ۲۷۳؛ بحار الأنوار ۲۲: ۲۸۲)
سَأَلْتُ مَوْلَايَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه‌السلام قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ...﴾ قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرَ علیهم‌السلام ثُمَّ جَرَّتْ فِي الْحُسَيْنِ علیه‌السلام. (تأویل الآيات: ۳۳۵؛ بحار الأنوار ۲۴: ۲۲۷)

وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۱۰۰﴾

قَالَ: إِنَّ الْعَامَّةَ يَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أُخْرِجَتْهُ قُرَيْشٌ مِنْ مَكَّةَ وَ إِنَّمَا هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ إِذَا خَرَجَ يَطْلُبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ قَوْلُهُ: نَحْنُ أَوْلِيَاءُ الدِّمِّ وَ طَلَّابُ الثَّرَةِ [الدِّية]١
حضرت صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمود: عامه [سنیان] می‌گویند: این آیه درباره‌ی رسول خدا ﷺ نازل شده است، هنگامی که قریش، آن عزیز را از مکه بیرون کردند. و همانا این آیه درباره‌ی قائم علیه السلام است، هنگامی که برای خون‌خواهی حضرت حسین علیه السلام خروج می‌کند و این است سخن آن جناب: ما اولیای دم و خواهندگان خون [یا دیه‌ی] حسین ایم.

در سخنی دیگر، حضرت موسی بن جعفر، از پدران گرامی خویش نقل می‌فرماید:

فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ قَالَ: نَحْنُ هُمْ. ٢

منظور خداوند در این آیه، ما اهل بیت هستیم.

۱. تفسیر قمی ۲: ۸۴؛ بحار الأنوار ۲۴: ۲۲۴ و ۵۱: ۴۷.

۲. تأویل الآیات: ۳۳۷؛ بحار الأنوار ۲۴: ۱۶۴.

مصدق نهایی و کامل آیه

روشن است که نه در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نه در زمان امام حسین علیه السلام و نه در روزگار هیچ یک از امامان علیهم السلام، این دو آیه‌ی شریفه به صورت کامل، تحقق نیافته است و تنها در دوران درخشان ظهور حضرت مهدی اسلام و موعود امت‌هاست که شاهد مقاتله‌ی آن عزیز با کافران و قدرت یافتن مؤمنان و برپایی نماز و برقراری نظام عبودیت و بندگی خدا، در سرتاسر گیتی، خواهیم بود.

به سه روایت در این باب، بنگرید:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾
قَالَ: هِيَ فِي الْقَائِمِ عليه السلام وَ أَصْحَابِهِ.

حضرت باقر علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمود: این آیه درباره‌ی حضرت قائم علیه السلام و اصحاب آن جناب نازل شده است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾ الْآيَةَ.

قَالَ: هَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ، يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ، كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ، حَتَّى لَا يُرَى أَثْرٌ مِنَ الظُّلْمِ ﴿۱﴾ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿۱﴾

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود: این آیه درباره‌ی آل محمد، مهدی و اصحاب اوست. خداوند، تمامی شرق و غرب زمین را به مالکیت آنان درمی‌آورد و دین [اسلام] را بر تمامی دین‌ها چیره می‌کند و به دست توانای مهدی و یارانش بدعت‌ها و باطل را نابود می‌فرماید، همان‌گونه که سفیهان و نابخردان، حق را از بین برده‌اند. اقدام مهدی و اصحابش به آن‌جا می‌انجامد که دیگر نشانه‌ای از ستم نمی‌ماند ﴿۱﴾ و به معروف و نیکی‌ها امر می‌کنند و از منکر و بدی‌ها باز می‌دارند و البته سرانجام کارها از آن خداست ﴿۱﴾.

عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ، نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۲

از جناب زید بن علی نقل است که گفت: هنگامی که قائم آل محمد قیام نماید، می‌فرماید: هان ای مردم، ما بیم کسانی که خداوند در کتابش به شما وعده داده [و فرموده] است: ﴿کسانی که چون آنان را

۱. تفسیر قمی ۲: ۸۷؛ بحار الأنوار ۵۱: ۴۷؛ تأویل الآیات: ۳۳۹؛ بحار الأنوار ۲۴: ۱۶۵.

۲. تفسیر فرات: ۲۷۴؛ بحار الأنوار ۵۲: ۳۷۳.

بخش پنجم: استقرار جهانی نظام بندگی خدا ﴿ ۱۶۳

در زمین مکنّت دهیم، نماز به پای می‌دارند و زکات می‌دهند و به معروف امر می‌کنند و از منکر بازمی‌دارند و البته فرجام کارها از آن خداست. ﴿

* هراس دشمنان از قدرت یافتن اهل بیت علیهم‌السلام

از همان زمانی که منافقان دانستند حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امر و فرمان خداوند، توجه ویژه‌ای به اهل بیت گرامی‌اش دارد، دشمنی با اهل بیت آغاز شد. سخن در این مقوله بسیار است و در این مقال، در آن مقام نیستیم که در این باره سخن بگوییم و تنها به مناسبت بحث، به ذکر این روایت شریف، بسنده می‌کنیم:

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ إِذْ
أَتَاهُ رَجُلٌ فَوَقَفَ أَمَامَهُ وَ قَالَ:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أُعِيَتْ عَلَيَّ آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، سَأَلْتُ
عَنْهَا جَابِرَ بْنَ يَزِيدَ، فَأَرَشَدَنِي إِلَيْكَ.

فَقَالَ: وَ مَا هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ
فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوَا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا
عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾

فَقَالَ: نَعَمْ، فِينَا نَزَلَتْ وَ ذَلِكَ أَنَّ فُلَانًا وَ فُلَانًا وَ طَائِفَةً مَعَهُمْ - وَ
سَمَّاهُمْ - اجْتَمَعُوا إِلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِلَى مَنْ
يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ؟ فَوَاللَّهِ لَئِنْ صَارَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ
إِنَّا لَنَخَافُهُمْ عَلَى أَنْفُسِنَا، وَ لَوْ صَارَ إِلَى غَيْرِهِمْ، لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ
وَ أَرْحَمُ بِنَا مِنْهُمْ!

فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ:
 أَمَا وَاللَّهِ لَوْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمْوهُمْ؛ لِأَنَّ بُغْضَهُمْ
 بُغْضِي وَبُغْضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ.
 ثُمَّ نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي. فَوَاللَّهِ لَئِنْ مَكَّنَّهُمُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ لَيَقِيمُوا
 [الْيَقِيمُونَ] الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا وَ لِيُؤْتُوا [الْيُؤْتُونَ] الزَّكَاةَ لِمَحَلِّهَا وَ
 لِيَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِيَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ.
 إِنَّمَا يُرْغِمُ اللَّهُ أَنْفَ رِجَالٍ يُبْغِضُونَنِي وَ يُبْغِضُونَ أَهْلَ بَيْتِي وَ
 ذُرِّيَّتِي.

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا
 الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ
 عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

فَلَمْ يَقْبَلِ الْقَوْمُ ذَلِكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: ﴿وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ
 كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودٌ * وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ
 * وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى لَلْكَافِرِينَ ثُمَّ
 أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ﴾^{۲، ۳}

حضرت موسی بن جعفر نقل می‌کند: من روزی در مسجد نزد پدرم
 بودم که مردی آمد و در برابر ایشان ایستاد و عرض کرد:

ای پسر پیامبر خدا، آیه‌ای در کتاب خدا بر من سخت و سنگین آمده

۱. حج (۲۲): ۴۱.

۲. حج (۲۲): ۴۲-۴۴.

۳. تأویل الآیات: ۳۳۸؛ بحار الأنوار ۲۴: ۱۶۵.

بخش پنجم: استقرار جهانی نظام بندگی خدا ﴿ ۱۶۵

و مرا بی‌تاب کرده است. درباره‌ی آن از جابر بن یزید پرسیدم، مرا به سوی شما ارشاد کرد.

امام علیه السلام فرمود: کدام آیه؟ عرض کرد: این سخن خداوند که می‌فرماید: ﴿ کسانی که چون در زمین مکنت و قدرت‌شان بخشیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به معروف [کارهای پسندیده] امر می‌کنند و از منکر [کارهای ناپسند] باز می‌دارند و فرجام کارها از آن خداست.﴾

امام علیه السلام فرمود: آری، درباره‌ی ما نازل شده است و سبب نزولش آن بوده که فلانی و فلانی و گروهی دیگر همراه با ایشان - که امام علیه السلام نام‌شان را برد - نزد پیامبر جمع شدند و گفتند: ای رسول خدا، پس از شما این امر به چه کسی بازمی‌گردد؟

آن‌گاه، پیش از آن‌که پیامبر پاسخی دهد، افزودند: به خدا سوگند، اگر امر خلافت و جانشینی به مردی از اهل بیت شما بیانجامد، ما بر خودمان می‌ترسیم و اگر به کسی دیگر به جز اهل بیت واگذار شود، شاید آنان به ما نزدیک‌تر و نسبت به ما مهربان‌تر باشند.

رسول خدا از آن سخنان، سخت برآشفته و غضبناک شد و سپس فرمود:

آگاه باشید، به خدا سوگند، اگر به خدا و رسولش ایمان داشتید، بغض و دشمنی اهل بیت مرا نداشتید؛ زیرا بغض‌ورزی با آنان، دشمنی با من و دشمنی با من، همان کفر به خداوند است.

خبر مرگم را به من داده‌اند. به خدا سوگند، اگر خداوند آنان را در زمین مکنت و قدرت ارزانی فرماید، حتماً نماز را به وقتش می‌گذارند و بی‌گمان زکات را به محلش می‌دهند و بی‌تردید به معروف امر می‌کنند و یقیناً از منکر بازمی‌دارند.

همانا خداوند، بینی مردانی را که بغض مرا به دل دارند و با اهل بیت و فرزندانم دشمنی می‌ورزند، به خاک می‌مالد.

در پی این بیانات پیامبر ﷺ، خداوند عزوجل، این آیه‌ی شریفه را نازل فرمود: ﴿کسانی که چون در زمین مکنت و قدرت‌شان بخشیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به معروف [کارهای پسندیده] امر می‌کنند و از منکر [کارهای ناپسند] باز می‌دارند و فرجام کارها از آن خداست.﴾

آن گروه، این سخنان را از رسول خدا نپذیرفتند، پس خداوند چنین نازل فرمود: ﴿و اگر تو را تکذیب کنند، هرآینه پیش از آنان، قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و لوط و مردم مدین [پیامبران‌شان را] تکذیب کردند، و موسی نیز تکذیب شد. پس کافران را مهلت دادم و سپس آنان را [به عذاب] برگرفتم، [پس بنگر که] انکار [و کيفر] من چگونه بود.﴾

روشن است که آیات نورانی قرآن بر موارد گوناگونی تطبیق داده می‌شوند که البته این امر جز با بیان مفسران راستین قرآن، یعنی پیامبر خدا و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام، ممکن نیست. در این حدیث شریف، امام علیه‌السلام سبب نزول دیگری برای آیه ذکر فرموده است.

دعا و درخواست

یکی از زیباترین بخش‌های دعای شریف ندبه، همان است که در پایان دعا عاجزانه و مخلصانه از خداوند منان درخواست می‌کنیم:

اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَ أَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ،
وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أذِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ،
وَ صَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصَلَّةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ،
وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ،
وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَ الْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَ الْاجْتِنَابِ
عَنْ مَعْصِيَتِهِ،

وَ اٰمَنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاہُ وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ،
مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزاً عِنْدَكَ.^۱

خدایا، حق را به او برپا دار و باطل را به او نابود کن.
اولیای او را به وسیله‌ی او دولت ببخش و دشمنان او را خوار و

خفیف فرما.

میان ما و آن عزیز پیوندی برقرار کن که به دوستی با پیشینیان او
بیانجامد.

و ما را از کسانی قرار ده که دامان آنان را برمی‌گیرند و در سایه‌ی
ایشان می‌آرامند.

و ما را در ادای حقوق آن حضرت و کوشش در فرمان‌برداری از او و
دوری از نافرمانی وی، یاری فرما.

با خشنودی او بر ما منت بگذار و رأفت و رحمت و دعا و خیر آن
عزیز را بر ما ارزانی فرما.

خیری که با آن به گستره‌ی رحمت تو و رستگاری در درگاهت نائل
شویم.

نقاوه و نتیجه

پیامبران خدا همگی برای یک هدف مبعوث شده‌اند: پرستش و بندگی خدا.

حضرت علی علیه السلام نیز هدف از حکومت‌های الهی را همان آشکار کردن نشانه‌های دین و اقامه‌ی حدود خدا برمی‌شمارد. ما نیز در دعایمان برای ظهور امام زمان علیه السلام، دولت کریمه‌ای را آرزو و درخواست می‌کنیم که در آن دولت، اسلام و اهلش سرافراز شوند و نفاق و اهلش خوار گردند و اطاعت و فرمان‌بری از خدا فراگیر شود و کرامت دنیا و آخرت نصیبمان گردد.

هنگامی که مسلمانان در مدینه به قدرتی دست یافتند که بتوانند با کافران ستمگر به مقابله برخیزند و از خویش دفاع کنند، دستور جهاد صادر شد.

هدف از قدرت یافتن موحدان، آن است که نماز به پای دارند و خدا را پرستند و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

آیه‌ی مورد بحث و استناد در این بخش، هم شامل رسول خدا صلی الله علیه و آله و

۱۷۰ ◀ جلوه‌های مهدوی قرآن، افق‌های روشن

یاران ستم‌دیده‌ی آن حضرت می‌شود، هم شامل حضرت حسین علیه السلام و هم نهایتاً و کاملاً، در قیام حضرت قائم آل محمد علیه السلام رخ می‌نماید. هنگامی که حضرت حجّت و یارانش قدرت و مکنّت بیابند:

- مشرق و مغرب زمین به تصرف‌شان درمی‌آید.

- دین خدا پیروز مندانه رخ می‌نماید.

- خدا به دست مهدی علیه السلام و اصحابش باطل و بدعت را از میان

می‌برد.

- هیچ نشانه‌ای از ستم نمی‌ماند.

- مهدی و یارانش به معروف، امر و از منکر، نهی می‌کنند.

اینک شما می‌توانید:

۱. براساس آیه‌ای از قرآن که فراوان هم تکرار شده است، بگویید که گل‌گفته‌ی همه‌ی پیامبران خدا چه بوده است.
۲. سخن حضرت علی علیه السلام در بیان مقصد و مقصود خویش از حکومت را بگویید و آن را معنا کنید.
۳. دعایی را که درباره‌ی دولت کریمه‌ی حضرت مهدی علیه السلام آموخته‌اید، از حفظ بخوانید.
۴. آیه‌ای را از حفظ بخوانید که بیان می‌دارد حضرت حجت علیه السلام و اصحابش، در هنگام مکنت و قدرت، چه می‌کنند.
۵. بگویید که به نقل حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از قول پدر گرامی‌اش، درباره‌ی سبب دیگر نزول آن آیه، چه تأویل و تفسیر دیگری فرموده است.

خاتمه

در این بخش با برخی از آیات نورانی و امیدبخش قرآن که با تبیین معلمان آن، به روشنی بر باور بلند مهدویت تصریح و تأکید می‌کرد، آشنا شدیم.

به خواست خداوند و مدد صاحب الزمان علیه السلام، در دفتر سوم، با برخی ویژگی‌های مهم حضرت حجت حی، امام زمان علیه السلام آشنا می‌شویم و دیگر بار یادآوری می‌کنیم که باروری و بالندگی تمامی باورهای مهدوی، ریشه در قرآن مجید دارد.